مسجد

جایگاه تربیت و دعوت

مؤلف: اسماعیل کس‌نزانی

مسجد

جایگاه تربیت و دعوت

نویسنده:

اسماعیل کس‌نزانی

سرشناسه	: کس‌نزانی اسماعیل، ۱۳۶۵.
عنوان نام پدیدآور	: مسجد جایگاه تربیت و دعوت/ نویسنده اسماعیل کس‌نزانی
مشخصات نشر	: سنندج، آراس۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۱۲۷ ص
شابک	: ۶-۱۵-۵۸۵۶-۶۰۰-۹۷۸
فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: مسجدها -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: مسجدها -- تأثیر
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۵م۵ک/BP۲۶۱
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۴۳۴۶۷

شناسنامه کتاب

نام کتاب	: مسجد جایگاه تربیت و دعوت
نویسنده	: اسماعیل کس‌نزانی
ناشر	: آراس
حروفچینی	: مهتاب سقز (امید مقدس)
تیراژ	: ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: چاپ اول تابستان ۱۳۹۰
قیمت	: ۲۰۰۰ تومان
شابک	: ۶-۱۵-۵۸۵۶-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:

سنندج، پاساژ عزتی، پخش کتاب امام غزالی

تلفن:۲۲۵۶۱۰۰ ـ ۰۸۷۱

تقدیم به:

پدر و مادرم

که شمع وجودشان روشنگر راه و

پروانه‌ی مهرشان الهام‌گر زندگی‌ام بوده است.

و تمام کسانی که از ایشان آموختم...

فهرست مطالب

تقریظ استاد رسول ابوالمحمدی

نحمد اللهَ و نُصَلِّي علي رسولِهِ الكريمِ وَ علي آلِهِ و أصْحَابِهِ الْمُفلِحِينَ.

از آنجا که ادیان الهی رسالت ارشاد و هدایت مردم و ایجاد همبستگی و اتحاد میان کلیه‌ی قشرهای جامعه را بر عهده داشته‌اند، خداوند متعال برای نیل به این هدف، ساختن جایگاهی را برای گردهمایی پیروان آنان به منظور انجام عبادت و نیایش دینی لازم و ضروری کرده، و پیامبران هم که رسالت ادیان را به عهده داشته‌اند، مساجد و معابدی مانند بیت الحرام، مسجد الأقصی و ... را ساخته‌اند.

بر همین اساس، اسلام نیز پس از دستیابی به امکانات لازم، برای تحقّق بخشیدن به این هدف، مسجد را به عنوان خانه‌ی خدا و کانون ایمان و طهارت و تقوی بنیان نهاد.

اما باید توجه داشت که مسجد بر خلاف دیگر معابد، تنها جایگاه عبادت و نیایش دینی نبود، بلکه نهادی بود با کارکردهای متعدّد، که علاوه بر فعالیت‌های عبادی، به عنوان کانون هدایت و ارشاد، مرکز آموزش و سواد، پایگاه نهضت و جهاد، مقرّ قضاوت و قضا، قرارگاه سیاسی دولت و مرکز تعاون اجتماعی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

پیامبر نور و رحمت ﷺ را عادت چنین بود که پس از بازگشت از هر سفر، نخست به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌گزارد و سپس در آنجا می‌نشست و به حلّ و فصل مشکلات مردم می‌پرداخت.[۱] همچنین پس از ادای نماز و نیز در فرصت‌های دیگر، در پرتو انوار تابناک قرآن مجید و افاضات آموزنده‌ی خویش، جان و دل و اندیشه‌ی نو مسلمانان را از زنگارهای فساد و تیرگی جهل می‌زدود و به جایگاه تجلّی و انوار درخشان الهی مبدل می‌کرد.

در عصر رسول اکرم ﷺ مقدمات جهاد با دشمنان اسلام در مسجد صورت می‌گرفت، نیروها در مسجد نظم داده می‌شدند و حرکت‌ها از مسجد آغاز می‌شد و بدینسان مسجد، تنها جایگاهی برای عبادت نبود، زیرا اسلام تمام زمین را برای مردم، مسجد قرار داده و انجام مراسم عبادی را به مسجد منحصر نکرده است. بلکه جایگاه مقدسی بود در ارتباط با همه‌ی قشرهای مردم، که در تمامی فعالیت‌های عبادی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان نقش تعیین کننده و جهت دهنده را به عهده داشت. پس با وجود اهمیتی که مسجد داراست و نیز با داشتن این همه مسؤولیت‌های خطیری که در جامعه‌ی اسلامی ایفا می‌کند، شایسته است که به مسؤولیت و نقش مهم آن توجه شایانی گردد، تا مسجد به نحو مطلوبی وظایف تعیین شده‌ی خود را انجام دهد و در همین راستا برادر ارجمند آقای

---

۱. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ۳۳۷/۲

اسماعیل کس‌نزانی در این کتاب با بنا قـرار دادن کتـاب و سـنت و سخنان داعیان دینی به بیان بخشی از نقش‌های مـسجد در حـوزه‌ی تربیت و دعوت پرداخته است. بنده با مطالعـه‌ی آن، ایـن کتـاب را بسیار عالی و مفید دانستم.

اُمید است این کتاب گامی باشـد در راسـتای بیـان گوشـه‌ای از اهمیت مسجد برای فارسی‌زبانان؛ خداوند متعـال نویـسنده‌ی آن را مشمول رحمت خود قرار دهد.

محمدرسول ابوالمحمدی ـ سقز

۱۳۸۸/۱/۹ هـ.ش

مقدمه

سپاس و ستایش خداوندی را که همه چیز را آفریده و عدلش ذره‌ای را به جا نگذاشته و علم و مهربانی‌اش بر هر چیزی گسترانیده شده است.

[وَ خَلَقَ كُلَّ شَيءٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيءٍ عَلِيمٌ] انعام/۱۰۱

«و او همه چیز را آفریده است و از هر چیری آگاه است.»

[وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدلاً] انعام/۱۱۵

«فرمان و سنت‌های پروردگار تو صادقانه، عادلانه و دادگرانه انجام می‌پذیرد.»

[رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمَاً] غافر/۷

«پروردگارا! مهربانی و رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است.»

و درود خداوند بر پاک‌ترین فرد آسمان‌ها و زمین باد، او که با زندگی خویش راه زندگی را به همه‌ی انسان‌ها نشان داد.

[وَ دَاعِياً إلى الله بِإذْنِهِ وَ سِرَاجَاً مُنيرَاً] احزاب/٤٦

«و تو را به عنوان دعوت‌کننده به سوی خداوند طبق فرمان وی (فرستادیم)و همچون چراغی تابان»

[وَ مَا أرْسَلْنَاكَ إلاَّ رَحْمَةً للعَالَمِينَ] انبیاء/۱۰۷

«و تو را جز رحمتی بزرگ برای عالمیان نفرستادیم.»

[لَقَدْ جَاءَكُم رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُم عَزِيزٌ عَلَيهِ مَا عَنِتُّم حَرِيصٌ عَلَيْكُم بالمُؤمِنِينَ رَئُوفٌ رَحِيمٌ] توبه/۱۲۸

«بدون شک پیغمبری از خود شما بسویتان آمده است، هرگونه درد و مصیبتی که به شما برسد بر او سخت و گران می‌آید، به شما عشق می‌ورزد، و اسرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت فراوان، و بسیار مهربان است.»

[لَقَدْ كَانَ لَكُم فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ] احزاب/۲۱

«سرمشق و الگوی زیبایی در (شیوه‌ی پندار و گفتار و کردار) برای شما، پیغمبر خداست.»



شرایط امروز جامعه‌ی مسلمانان، خبر از وضع پریشان آنان می‌دهد که روز به روز به سوی پرتگاه‌های بی‌دینی سیر می‌کنند و جوانان بیش از پیش بدام مکاتب فکری لائیک و سکولار در می‌آیند، مکاتبی که چیزی جز شهوات‌رانی و لذت‌جویی را در برنامه ندارند؛ دشمنان نیز سعی بر آن دارند که اسلام و برنامه‌ی خداوند را در سطح جامعه از بین ببرند. و دین را به امری شخصی و فردی تبدیل کنند، دینی که فقط شامل نمازی در خانه و روزه‌ای پنهانی باشد؛ با این نقشه می‌خواهند جوامع را زیر سیطره‌ی خویش قرار دهند و قانون‌های دست‌ساخته‌ی خویش را بر آن حاکم سازند، زیرا آنان از مسلمانان راضی نخواهند شد مگر این که دین خود را

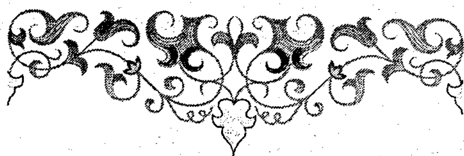
رها کنند و برنامه و قانون آنان را اجرا سازند!

امّا اسلام دینی فردی و فکری پنهانی نیست، بلکه دینی است که بر همه جای زندگی فرد سایه می‌افکند، دینی است که با ساختن فرد جامعه را بنیان می‌نهد و بر اجتماع نیز حکومت می‌کند، دینی است که تمام مسائل فردی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... را در بر می‌گیرد. اما دشمنان می‌خواهند که دین و شریعت را برنامه‌ای فردی و صرفاً عبادی معرفی نمایند تا فرهنگ و سیاست و اقتصاد و اجتماع جوامع مسلمان را نیز همانند جوامع خود به فساد بکشانند و به این وسیله آنان را به بردگی و وابستگی مبتلا سازند!

لازم است مسلمانان به خود آیند، به پا خیزند و در کنار هم قرار گیرند تا عزت را دوباره باز یابند و دین را بر جامعه حاکم سازند. مسجد جایگاهی است که نقش بسیار زیادی در تربیت فرد و بازسازی اجتماع و حاکم کردن دین بر جامعه دارد. پس باید مؤمنان به مساجد روی آورند و آن را به پایگاهی برای تربیت افراد و جایگاهی برای ساختن جامعه تبدیل کنند. در این کتاب با استعانت از خداوند متعال به مسجد و جایگاه آن در اسلام و اهمیت آن در تربیت ملت و وحدت امت پرداخته‌ام و سعی بر آن داشته‌ام که با تکیه بر قرآن و سنت و اقوال علما به تشریح آن بپردازم و جایگاه آن را در جامعه بیان نمایم و هدفم تصحیح بینش و افزایش آگاهی مخاطبان در مورد مسجد و تأثیرات آن بر جامعه و امت اسلامی

بوده است که متأسفانه در جامعه به فراموشی سپرده شده است، تا بوسیله‌ی آن، خالصانه رو به سوی مساجد آورند و آنها را با عبادت خداوند متعال آباد کنند و جامعه‌ای را بسازند که ایمان بر آن حکمفرما و در عمل افراد جاری باشد.

سقز ـ ۱۳۸۷/۱۲/۲



ارزش و جایگاه مسجد

مسجد از ریشه «سَجَدَ» با کسر «ج» به معنای مکان سجده می‌باشد، مکانی که پیشانی به عنوان تعظیم بر آن فرو می‌آید. اما در اصطلاح به مکانی گفته می‌شود که مسلمانان در آنجا نماز می‌خوانند و در برابر پروردگارشان سجده می‌کنند.

مسجد مکان سجده در برابر عظمت خداست.

مکان بیان نمودن بندگی در برابر پروردگار بندگان است.

مکان شناخت و گذرگاه رسیدن به سعادت در جوار خداوند مهربان است.

مکان پاک‌کردن شرک و نابودکردن باطل و جایگزین کردن حق و حقیقت است.

مسجد مکان آزادی بشر از قید بردگی و بندگی مخلوقات است.

مسجد در اسلام از جایگاه ویژه و رفیعی برخوردار است. مکانی که خانه‌ی خداست.

[وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ] جن/۱۸

مکانی که نام و یاد عبادت خداوند متعال از آنجا بلند می‌شود، جایی

که محبوب‌ترین مکان نزد خداوند متعال است.

[أَحَبُّ الْبِلادِ إِلَى اللهِ مَسَاجِدُهَا وَ أَبْغَضُ الْبِلادِ إِلَى اللهِ أَسْوَاقُهَا][1] مسلم

ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «محبوب‌ترین مکان از شهرها و روستاها نزد خداوند، مساجد و مبغوض‌ترین مکان، بازارها هستند.»

این محبوبیت به خاطر توحید و یکتاپرستی و عمل و عبادتی است که خالصانه برای خداوند انجام می‌گیرد؛ به‌خاطر ایمان و تقوا و برادری و برابری و وحدت افرادی است که در مساجد حضور دارند. مکانی که با رفت و آمد پی در پی به آن، ایمان فرد را می‌سازد و به آن می‌افزاید، مکانی که با ایمان گره خورده است.

رفت و آمد به مسجد به حدی دارای اهمیت است که پیامبر صادق صلی الله علیه وسلم آن را با ایمان پیوند می‌دهد و می‌فرماید:

[إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُ لَهُ بالإيمانِ][2] ترمذی

«هرگاه شخصی را دیدید که بر نماز خواندن در مسجد عادت دارد، به ایمان‌داری او گواهی دهید.»

---

۱. معارف الحدیث، مؤلف: محمدمنظور نعمانی، مترجم: عبدالمجید مرادزهی، انتشارات فاروق أعظم، چاپ چهارم ۸۷، ج۲ ص۱۳۱

۲. نمازی با حضور، مؤلف: سید عبدالباقی العاصمی، چاپ اول ۸۰، صفحه ۱۲، و ریاض الصالحین ج۲ص۸۰۲

واقعاً رفت و آمد به مسجد و شرکت در نماز جماعت از نشانه‌های ایمان است و منافقین در انجام چنین اعمالی متهاول و سست هستند، زیرا ایمان همراه با عمل از خصوصیات ایمانداران صادق است و کسانی که بدون هیچ عذری از رفتن به نماز جماعت خودداری می‌کنند باید به صداقت در ایمانشان شک کنند!!

مکانی که رفت و آمد به آن سبب نجات از وحشت و تاریکی‌های روز قیامت و آرامش در بهشت جاویدان خواهد شد.

[بَشِّرِ المَشَّائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى المَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ القِيامَةِ][1] ابوداود و ترمذی

«کسانی را که در تاریکی‌ها به مساجد می‌روند، به نوری کامل در روز قیامت مژده بده.»

[مَنْ غَدَا إِلَى المسجِدِ وَ رَاحَ أَعَدَّ اللهُ لَهُ نُزُلَهُ مِنَ الجَنَّةِ كُلَّمَا غَدَا أو رَاحَ][2] بخاری و مسلم

«هرکس به مسجد رفت و آمد کند، خداوند به خاطر هر رفت و آمد برایش ضیافتی در بهشت، تدارک می‌بیند.»

آری واقعاً این نعمت‌ها، شایسته‌ی کسی است که بدون دلبستگی به دنیا، اذان را لبیک گفته و به مسجد می‌رود، ام المؤمنین عایشه

---

۱. همان منبع، ص ۵۳

۲. اللؤلؤ و المرجان، محمدفؤاد عبدالباقی، مترجم: ابوبکر حسن‌زاده، نشر احسان، چاپ سوم ۸۴، ج۱ص۲۹۹

صدیقه رضی الله عنها می‌فرماید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم در کارهای خانه، همسران خود را کمک می‌کرد، اما به محض این که وقت نماز فرا رسید، برای نماز بیرون می‌رفت.»[۱]

جایگاهی که دلبستگی به آن سبب نجات از عذاب و گرمای سوزان روز قیامت می‌گردد و فرد را به زیر سایه‌ی رحمت الهی می‌کشاند. طبق حدیث صحیح در روزی که هیچ سایه‌ای وجود ندارد، یکی از هفت‌گروهی که زیر سایه‌ی رحمت الهی قرار می‌گیرند کسانی هستند که همواره در یاد و دل‌بسته‌ی مساجد هستند.

[وَ رَجُلٌ قَلبُهُ مُعَلَّقٌ فِی المساجِدِ][۲]

مسجد و معراج

ارزش مسجد به این است که انسان را به خداوندِ متعال نزدیک گرداند.

به معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسمان‌ها و جوار حق تعالی فکر کنید! قبل از رفتن به آسمان، از مسجدی به مسجدی دیگر ... !؟

[سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الأَقْصَى ...] اسرا/۱

۱. مختصر صحیح بخاری، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات حرمین، چاپ دوم ۸۶، ج۱ ص۲۴۰

۲. مختصرصحیح‌بخاری، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات‌حرمین، چاپ‌دوم۸۶، ص۲۳۶

«تسبیح و تقدیس خدایی را سزاست که بنده‌ی خویش را در شبی از مسجدالحرام به مسجد الأقصی (بیت المقدس) برد»

آیا این به خاطر ارزش و جایگاه مساجد نیست که قبل از این که پیامبر ﷺ در جوار خداوند سخن بگوید[1]، باید از مسجد عروج خود را آغاز کند؟ آیا این موضوع به ما نمی‌گوید که مساجد پله‌ی پرتاب و بالا رفتن انسان به مقامی است که خدای خود را ملاقات کند؟ (والله أعلم)

آیا کسی که می‌خواهد در جهان دیگر خداوند را با چشم سر ببیند[2] نباید با تأسی از اسراء و معراج پیامبر ﷺ مسجد را جایگاه عروج خود، برای ملاقات پروردگار خویش قرار دهد؟

آری! ارزش و جایگاه مسجد در دین اسلام بسیار زیاد، مهم و دارای نقشی کلیدی در تربیت افراد و وحدت مسلمین است.

«مسجد در اسلام محل عبادت تمام مردم مسلمان است، رسول

---

۱. بعضی از افراد معتقدند که پیامبر ﷺ در شب معراج خداوند را با چشم سر دیده است، اما این سخن صحیح نیست، زیرا در یک حدیث متفق علیه، صحابه گرامی مسروق رضی الله عنه می‌گوید: به عایشه رضی‌الله عنها گفتم: ای مادر محترم، آیا محمد ﷺ پروردگارش را رؤیت کرده است؟ عایشه رضی‌الله عنها گفت: از این سؤال شما بدنم به لرزه در آمد، شما به سه موضوع چه کار داری؟ هرکس در مورد آنها با شما صحبت کند، دروغ می‌گوید. اول: کسی که بگوید محمد ﷺ پروردگارش را دیده است، حتماً دروغ گفته است، آنگاه عایشه رضی‌الله عنها آیه‌ی ۱۰۲ سوره انعام و آیه‌ی ۵۱ سوری شوری را خواند. اللؤلؤ و المرجان، ج۱ ص ۱۲۰

۲. اهل سنت و جماعت معتقدند که راه یافتگان به بهشت برین، سعادت دیدار خداوند متعال را با چشم سر به دست خواهند آورد. [وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ* إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ] «در آن روز (قیامت) چهره‌هایی شاداب و شادانند* به پروردگار خود می‌نگرند.»

خدا ﷺ همه روزه در آن برای یارانش امامت می‌کرد و آن خانه‌ی خدا و خانه‌ی همه‌ی مردم بود.»[۱]

بیان کردن ارزش و اعتبار مسجد باید راهی برای تغییر دیدگاه در مورد آن مکان مقدس باشد و این تغییر دیدگاه سبب ایجاد علاقه و دلبستگی، و این علاقه سبب رفت و آمد به مسجد و شرکت در نماز جماعت گردد.

مسجد، فقط جایگاه خداوند است

ارزش مسجد به یکتاپرستی است، مسجد باید محل عبادت خالصانه برای خداوند باشد، باید جایگاهی باشد که انسان را به خالقش نزدیک سازد، پله‌ی عروج از دنیای سرد و بی‌روح مادی به دنیای آرامش و اطمینان؛

ارزش مسجد به آن است که خداوند عبادت و بندگی شود و سراسر زندگی از مسجد رهبری گردد یعنی هرکاری جز با هدف رضایت خداوند انجام نشود.

[وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلهِ فَلاَ تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَدًا] جن/۱۸

«مساجد مختص پرستش خداوند است و (در آنها) کسی را با خداوند پرستش نکنید.»

---

۱. جامعه‌گرایی اسلامی پیامبر اسلام، مؤلف:محمدالشلبی، مترجم: محمدسعید مجیدی، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۲، ص۴۷

در مسجد نباید غیرخدا عبادت شود و غیر خدا را طلبید، مسجد نباید راهی برای عظمت دادن به غیر خداوند باشد، مسجد جایگاه عبادت و طلب از خداوند است و بس.

مجاهد گفته است: «یهود و نصارا وقتی به کلیسا و کنشت و مراکز عبادت خود می‌رفتند در آنجا برای خدا شریک قائل می‌شدند، از این رو خداوند به پیامبر ﷺ و مؤمنان دستور می‌دهد که در تمام مساجد و اماکن عبادت، خدا را تنهایی و خالصانه پرستش کنند.»[1]

به همین خاطر پیامبر ﷺ با دستان خویش آثار شرک و مرده‌پرستی را از مسجد الحرام پاک نمود. چگونه در خانه‌ای که متعلق به خداست، کسی دیگری صاحبخانه شود؛ یا کسی که به او ایمان ندارد آن را بنا کند؟

یکتاپرستی در مسجد به حدی دارای اهمیت است که هرکس به خداوند ایمان ندارد یا حتی از غیرخدا می‌ترسد، حق تأسیس مسجد را ندارد؛ در جامعه‌ی اسلامی هرکس حق ساختن و آباد کردن مسجد را ندارد، چون قرار است این مسجد محل خلوت‌نمودن دسته جمعی!! با خداوند متعال و راز و نیاز و گفتگو با وی باشد، مکان تقویت تقوا در درون دل‌ها باشد، به همین دلیل خداوند متعال

---

۱. صفوه‌التفاسیر، محمدعلی صابونی، مترجم: محمدطاهر حسینی، نشر احسان، چاپ اول ۸۲، ج۴ص۵۴۹

می‌فرماید: [مَا كَانَ لِلمُشرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ الله شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالكُفرِ أولئك حبِطَتْ أَعْمَالُهُم وَ فِي النَّارِ هُم خَالِدُونَ * إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ الله مَنْ آمَنَ بِالله وَ الْيَومِ الآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلاةَ و آتَى الزَّكاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إلاّ اللهَ] توبه/۱۸ـ۱۷

«مشرکانی که به کفر خویش گواهی می‌دهند، حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند، آنان اعمالشان هدر و تباه است و جاودانه در آتش دوزخ می‌مانند * قطعاً مساجد خدا را کسانی آباد کنند که به خداوند و روز رستاخیر ایمان دارند و نماز به پای می‌دارند و زکات مال می‌پردازند و از هیچ کس غیر از خداوند نمی‌هراسند ...»

سیدقطب رحمه‌الله می‌فرماید:

«روند قرآنی برای مشرکان نمی‌پسندد که حقی در این داشته باشند که خانه‌های یزدان را تعمیر و آباد کنند، چه تعمیر و آبادکردن خانه‌های خدا حق خالص و درست کسانی است که به خدا ایمان داشته باشند و فرائض و واجبات او را به جای می‌آورند.»[1]

آری چنین است، نمی‌شود پایگاه مسلمانان را کسی بنا کند که به خداوند ایمان نداشته باشد، ارزش مسجد به یکتاپرستی و عبادتی است که در سایه‌ی توحید در آن انجام می‌شود، پس نباید کسی آن را بنا کند که خود به آن معتقد نباشد و خود اهل مسجد نباشد.

---

۱. فی ظلال القرآن، مؤلف: شهید سیدقطب، مترجم: مصطفی خرمدل، نشر احسان، چاپ دوم۸۷، ج۳ص۴۷۱

هدف از ساختن مسجد عبادت خداوند و دلیل آن رضایت پروردگار است. حال چگونه کسی که برای خداوند شریک قرار می‌دهد و رضایت او را نمی‌طلبد، به ساختن آن همت گمارد؛ «برای آنان صحیح نیست که مساجد را در عبادات باطلشان مورد بهره‌برداری قرار داده و به امر آبادانی و خدمت مساجد بپردازند، ... با انجام دادن عملیِ کفر، چون نصب بتان؛ گرفتن آنها به خدایی و تقدیم عبادت و نیایش برای آنها. پس چگونه می‌توان میان چنین اعمالی با آباد ساختن مساجد که فقط از شأن مؤمنان است، جمع کرد؟»[1]

حتی خداوند متعال پیامبر رحمت ﷺ را از نمازخواندن در مسجدی که منافقان آن را برای توطئه علیه مسلمانان ساخته بودند، منع فرمود؛ چطور ممکن است مسجدی که بر پایه‌ی نفاق و بی‌ایمانی ساخته شده است، محل ابراز عبودیت برای خداوند متعال باشد؟ آری! ارزش مسجد به عبادت خداوند است و باید با هدف نزدیک‌شدن به وی ساخته شود.

[لا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ] توبه/۱۰۸

«(ای پیغمبر) هرگز در آن (مسجد ضرار) توقف مکن و نماز مگزار، مسجدی که از روز نخست بر پایه‌ی تقوا بنا گردیده است، سزاوار آن است که در آن بر پای ایستی و نماز بگزاری.»

---

۱. انوار القرآن، ترتیب و ترجمه: عبدالرئوف مخلص، انتشارات شیخ احمد جام، ج۲ص۵۱۶

مسجد ضرار، مسجدی بودی که منافقان بر ضد مسلمانان و برای رایزنی و طرح نقشه علیه اسلام و مؤمنان در مدینه درست کرده بودند.[۱] «بعد از اتمام ساخت آن، نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند برای افراد مریض و معلول و نیازمند و شب‌های بارانی مسجدی ساخته‌ایم، دوست داریم با ما تشریف بیاورید و در آن نماز بخوانید.»[۲] اما وحی، هویت آن را بر پیامبر ﷺ آشکار کرد و اجازه نداد در آن نماز بخواند و پیامبر ﷺ هم دستور ویران‌کردن و سوزاندن آن را صادر کردند. آری! مسجدی که با هدف عبادت خداوند و کسب تقوا ساخته نشده باشد، ویرانه‌ای بیش نیست و باید ویران گردد.

مسجد در نزد خداوند متعال دارای ارزش بسیار زیادی است و نمی‌خواهد جز کسانی که عبادت وی را انجام می‌دهند، کسی ارزش آن را پایین بیاورد. به همین خاطر نباید مشرکان به مسجدالحرام نزدیک شوند، تا حرمت آن مکان مقدس شکسته نشود و خاطر مسلمانانی که در آنجا مشغول عبادتی خالصانه هستند، پریشان نگردد.

[یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِکُونَ نَجَسٌ فَلا یَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ

---

۱. این نامگذاری هم ـ ضرار ـ به این خاطر بود که هدف از ساختن آن ضرر رساندن به مسلمانان بود و عملاً یک مرکز تروریستی بود.

۲. صفوه‌التفاسیر، ج۲ ص ۲۵۰

عَامِهِمْ هَذَا] توبه/۲۸

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان مشرکان پلیدند، لذا نباید از امسال به مسجدالحرام نزدیک شوند.»

پلیدبودنی که خداوند متعال در این آیه شریف به مشرکان نسبت می‌دهد، مربوط به باور و اعتقاد ایشان است و خداوند نمی‌خواهد کسانی که به این مناسک و عبادات اعتقاد ندارند به آنجا وارد شوند. چگونه جایگاهی که نماد توحید و یکتاپرستی است، مشرکانی بدانجا وارد شوند که اندیشه‌ی شرک و بت‌پرستی در سر دارند! زیرا کسی که اندیشه‌ی شرک و بت‌پرستی دارد جز برای بت‌پرستی و شریک قرار دادن برای خداوند و قراردادن بت‌های گوناگون به عنوان واسطه بین خود و خداوند به بیت‌الحرام نزدیک نمی‌شود، پس کسی که دارای چنین اندیشه‌ی پلیدی است، نباید به چنین جایگاه پاک و مقدسی نزدیک شود، از طرف دیگر مشرکین زمان پیامبر ﷺ اکثراً بر ضد اسلام و مسلمین و برای احیای بت‌پرستی و اسلام‌ستیزی فعالیت می‌کردند، پس این مشرکین از لحاظ رفتاری نیز پلید بودند و می‌خواستند با قدرت و ثروتشان، اندیشه‌های پلیدشان را بر مؤمنان حاکم سازند و مسلمانان را از دین بر گردانند و دوباره شرک را به مسجدالحرام باز گردانند؛ پس چگونه رواست که این پلیداندیشان و این پلید رفتاران وارد این مکان مقدس و سراسر پاک شوند؟

دین اسلام حتی از ساختن مسجد بر روی قبور انبیاء و صالحان نهی فرموده است و به شدت با آن مخالفت می‌کند و مسلمانان را از این کار بر حذر می‌دارد. «عایشه رضی الله عنها می‌گوید: ام حبیبه و امّ سلمه درباره‌ی کنیسه‌ای که آن را در حبشه دیده بودند و در آن عکس‌هایی وجود داشت صحبت کردند و جریان را برای پیامبر ﷺ بیان نمودند، پیامبر ﷺ فرمود: این جماعت هروقت انسان صالحی در میانشان فوت می‌کرد بر روی قبرش مسجدی می‌ساختند و تصویر او را بر در و دیوار می‌کشیدند، اما این اشخاص (که بر قبر افراد صالح مسجد بنا می‌کنند و عکس آنان را در آنجا به در و دیوار آویزان می‌کنند) در روز قیامت در پیشگاه خداوند بدبخت‌ترین افراد هستند.»[1] متفق‌علیه

همچنین ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

[قَاتَلَ اللهُ اليَهُودَ وَ النَّصَارى، اِتَّخَذُوا قُبُورَ أنبيائِهِم مَسَاجِدَ][2]

متفق‌علیه

«خداوند یهود و نصارا را نابود کند، چون قبر پیامبران خود را به صورت مسجد در آوردند.»

این برخورد و مخالفت بدان خاطر است که مسلمانان در مساجد برجایگاه عظمت و بزرگی، فقط خداوند متعال را یاد کنند و غیر

۱. اللؤلؤ و المرجان، ج۱ص۲۵۳
۲. همان منبع، ج۱ ص۲۵۴

خدا را در برابر ذات الله بزرگ جلوه ندهند و مرتکب شرک نشوند. زیرا با این کار، در گذر زمان شیطان انسان‌ها را به پرستش و تقدّس شخص صالح داخل قبر وسوسه می‌گرداند و ایشان را از جاده‌ی هدایت منحرف می‌گرداند. به همین خاطر مسلمانان باید از این کار دوری کنند و مساجد را فقط برای عبادت و بیان کردن بندگی برای خداوند بسازند، زیرا مسجد فقط جایگاه خداوند است و بس.

حرمت و تقدّس مسجد

مسجد جایگاهی است که در آنجا عبادت خداوند متعال صورت می‌گیرد و به همین دلیل دارای تقدس و حرمت است و نگهداشتن این حرمت و تقدّس بر هر مسلمان لازم است. رعایت کردن این حرمت و تقدس باعث افزایش ایمان در محیط مسجد و ایجاد فضای معنوی بیشتری در آن خواهد شد.

[يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ] اعراف/۳۱

«ای فرزندان آدم! در هر مسجد گاه و عبادتگاهی خود را بیارایید و بخورید و بیاشامید ولی اسراف و زیاده‌روی نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.»

«زینَتَکُم»در این آیه می‌تواند دو معنی داشته باشد، یک معنای ظاهری و یک معنای باطنی؛ معنای ظاهری که بر تشویق‌کردن

مؤمنان برای آراسته‌کردن ظاهر هنگام عبادت دلالت می‌کند، یعنی هرکسی که وارد مسجد می‌شود، سعی کند از لحاظ ظاهری مرتب، تمیز، خوشبو و آراسته باشد و از هرگونه زشتی و پلیدی خود را پاک گرداند، مثلاً انسان مسلمان نباید هنگام رفتن به مسجد، گیاهان بدبو بخورد و باعث اذیت‌کردن افراد دیگر شود.

جابر رضی‌الله‌عنه از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمود:

[مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْـمُنتَنَةِ فَلا تَقْرَبَنَّ مَسْجِدَنا ...][1] بخاری و مسلم

«هرکس از این درخت بدبو (پیاز و سیر) بخورد به مسجد نیاید...»

«به دلیل همین آیه و احادیثی که در معنی آن روایت شده است، سنت است که شخص نمازگزار در حال نماز به بهترین شکل و شمایل خویش حاضر شود، زیرا نماز مناجات با پروردگار است، بنابراین به کار گرفتن زینت و استعمال خوشبویی ادای نماز مستحب است.»[2]

حتی پیامبر ﷺ به نظافت مساجد اهمیت می‌دهد و به آن دستور می‌دهد، چون عبادتی پاک، نیازمند مکانی پاک است. «از ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم ﷺ دستور به

۱. معارف الحدیث، مؤلف: محمدمنظور نعمانی، مترجم: عبدالمجید مرادزهی، انتشارات فاروق أعظم، ج۲ ص۱۴۲

۲. انوار القرآن، ترتیب و ترجمه: عبدالرئوف مخلص، ج۲ص۳۰۲

ساخت مسجد در محله‌ها و نظافت و استعمال بوی خوش در آن دادند.»[1]

پیامبر رحمتﷺ مؤمنان را از انداختن آب دهان در مسجد برحذر می‌دارد، تا این حرمت و تقدّس در ذهن مسلمان نقش بندد و همیشه در نظر آنها مقدس جلوه نماید، تا با حضور در چنین مکان مقدسی، عبادت‌هایی لایق آن انجام دهند؛ انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید، پیامبرﷺ فرمود:

[الْبُزَاقُ فِي الْمَسْجِدِ خَطِيئَةٌ وَ كَفَّارَتُهَا دَفْنُهَا][2] بخاری

«انداختن آب دهان در مسجد گناه است و کفاره‌ی آن پاک‌کردن و دفن کردن آن است.»

و معنای دیگر «زینتکم» می‌تواند مربوط به زینت باطنی باشد؛ یعنی آراسته کردن و زینت دادن باطن، پاک‌کردن نیّت از رضایت غیر الله، خالص کردن عبادت برای خداوند و پرهیز از هرگونه بدعت در انجام عبادت؛ یعنی آراسته کردن باطن با لباس ایمان و تقوا و اخلاص، یعنی دور ریختن هرگونه کینه و حسد و سوء ظن؛ پس خداوند متعال در این آیه از بندگان می‌خواهد که حرمت مسجد را هم با زینت ظاهری و هم زینت باطنی رعایت نمایند؛ همان طور که خداوند متعال به ابراهیم و اسماعیل چنین دستوری می‌دهد:

---

۱. معارف الحدیث، ج۲ص۱۴۰

۲. معارف الحدیث، ج۲ص۱۴۰

[... وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبرَاهِيمَ وَ إِسمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ للطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ] بقره/۱۲۵

«به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ی ما را برای طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع و سجودبرندگان (از هر چه ناپاکی شرک و گناه و هر چه ناپاکی مکانی است) پاک و پاکیزه کنند.»

اصحاب گرامی رسول خدا ﷺ در مسجد یا عبادت انجام می‌دادند، یا مشغول ذکر و تلاوت و تفکر بودند یا همدیگر را نصیحت و ارشاد می‌کردند؛ حتی از هنگام ورود به مسجد. از ابو أُسید ساعدی رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هرگاه یکی از شما وارد مسجد می‌شود این دُعا را بخواند:

[اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ]

«ای الله دروازه‌های رحمتت را برایم بگشا.»

و چون از مسجد خارج شود این دعا را بخواند:

[اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ] [1] مسلم

«ای الله فضل او را می‌خواهم.»

در کتاب معارف الحدیث در شرح این حدیث آمده است که «لفظ رحمت بیشتر بر انعامات دینی و معنوی و لفظ فضل بر رزق و نعمت‌های دنیوی اطلاق گردیده لذا رسول اکرم ﷺ به هنگام ورود دعای فتح، باب رحمت را تعلیم دادند، چون مسجد جای

---

۱. همان منبع، ج۲ص۱۳۷

حصول نعمت‌های دینی، معنوی و اخروی است و به هنگام خروج از مسجد طلب فضل و نعمتهای دنیوی را تلقین فرمودند.»[۱]

و سنت است که هرگاه کسی وارد مسجد شد، دو رکعت نماز تحیةالمسجد بخواند،

[إِذَا دَخَلَ أَحَدَكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَع رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ][۲] بخاری

«هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، قبل از این که بنشیند دو رکعت نماز بخواند.»

یکی از راه‌های رعایت حرمت مسجد، انجام عبادت صحیح و مطابق با سنت و پرهیز از هرگونه اعمال لغو و سخنان بیهوده است، چنین اعمال و سخنانی تقدّس مسجد را می‌شکند و عملاً حرمت آن را از نظرها می‌برد، به همین دلیل تأثیر عبادت را بر نفوس کاهش می‌دهد.

نشستن افراد در مسجد و صحبت کردن آنان در مورد معامله و خرید و فروش و امور دنیایی و طمع و غیبت و تهمت و مسخره‌کردن، از اموری است که مسلمانان را از یاد خداوند و مرگ و قیامت و پیشرفت مسلمین و خیر و صلاح ایشان باز می‌دارد، چنین سخنانی در مسجد ناروا و نادرست است.

عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت می‌کند که:

---

۱. همان منبع، ج۲ص۱۳۷

۲. مختصر صحیح بخاری، ج۱ص۱۷۷

[نَهَى رَسُولُ الله عَنْ تَنَاشُدِ الأشْعَارِ فِي المَسجِدِ وَ عَنِ البَيْعِ و الأشْتراء فِيهِ وَ أن يَتَحَلَّقَ النَّاسُ يَومَ الجُمُعَةِ قَبلَ الصَّلاةِ فِي المسجدِ][۱] ترمذی و أبوداود

«پیامبر ﷺ از شعرگویی و مشاعره و خرید و فروش در مساجد منع فرمودند و از این هم منع فرمودند که روز جمعه، قبل از نماز، مردم گروه گروه در مسجد جمع شده و صحبت کنند.»

همچنین حسن بصری رحمه الله در حدیثی مرسل روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند:

«زمانی خواهد آمد که صحبت‌های دنیویِ مردم در مساجد خواهد، بر شما لازم است که با آنان همنشین نباشید، خداوند با ایشان هیچ ارتباطی ندارد.»[۲]

آری! نباید عبادت را با چنین اعمال کم ارزشی تباه کرد و بر هر مسلمانی لازم است، از چنین سخنان لغو و کارهای بیهوده‌ای پرهیز کند و نگذارد در عبادت خالصانه‌اش خدشه‌ای وارد شود.

اما هرکاری که برای اصلاح فرد و ملت، پیشرفت جامعه و امت، پیشبرد اهداف اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر و فساد و آخرت افراد، مفید و سازنده باشد، انجام دادن آن در مسجد صحیح است. در مسجد عبادت و نماز و راز و نیاز، اعتکاف و خلوت با خداوند،

---

۱. معارف الحدیث، ج۲ ص۱۴۳
۲. همان، ج۲ ص ۱۴۵

تعلیم و تفسیر قرآن، بیان و شرح احادیث نبوی، خطابه و سخنرانی در بیان کردن احکام دین و شریعت، تقویت روحی و روانی افراد و درباره‌ی هرآنچه خیر و صلاح امت اسلام را به دنبال دارد، روا و صحیح می‌باشد، همانطور که پیامبر ﷺ در مسجد دین را به صحابه تعلیم می‌داد و برای آنها سخنرانی می‌کرد و به سؤالات آنان پاسخ می‌گفت و در جهت پیشبرد امت اسلام و تبلیغ و گسترش آن تلاش می‌کرد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «جمع نمی‌شوند گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا که کتاب خدا را تلاوت کنند، و به تعلیم و تعلّم بپردازند، مگر این که بر آنها آرامش نازل شده و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و ملائک در اطرافشان حلقه می‌زنند و خداوند از آنها در نزد ملائکه یاد می‌کند.»[۱] مسلم

«حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که روزی رسول الله ﷺ را دیدم که کنار دروازه‌ی خانه من ایستاده است، در حالی که عده‌ای از مردم حبشه، داخل مسجد تمرین نیزه می‌کردند آن حضرت چادرش را روی من انداخت تا در کنار ایشان نیزه بازی آنها را تماشا کنم.»[۲]

نیزه‌بازی مردم حبشه نه تنها به حرمت مسجد لطمه نمی‌زند بلکه

---

۱. آداب مساجد، مؤلف: ابوبکر جزائری، مترجم: نورمحمد نورمحمدی، ص۲۸
۲. مختصر صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۸۰

سبب آموزش نظامی اصحاب می‌شد. پیامبر رحمت ﷺ می‌خواهد صحابه با نگاه کردن به ایشان فنون نیزه‌زنی و شمشیرزنی آنها را بیاموزند، و این رعایت کردن حرمت مسجد و نقش آن در تربیت افراد جامعه اسلامی است.

حتی بعضی اوقات هم مسجد النبی به درمانگاه زخمی‌ها و محل مداوای آنها تبدیل می‌شد.[1] «مسجد برای امور مسلمانان و برای تمام آنچه که خیر و صلاح دین و دنیای آنان می‌انجامد، وضع شده است و در این مرکز است که مردم با حقایق اسلامی و واقعیات شریعت در تمام امور زندگی خود اعمّ از معنوی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... آشنا شوند.»[2] حرمت و تقدّس مسجد به این است که به جایگاهی برای نزدیک شدن به خداوند متعال تبدیل گردد، و در جهت سازندگی و پیشرفت جامعه و تربیت افراد به کار گرفته شود و در غیر این صورت حرمت و تقدّس مسجد شکسته خواهد شد.

---

۱. همان منبع، ج۱ ص ۱۸۳و۱۸۲
۲. دیدگاه فقهی معاصر، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم: احمد نعمتی، ج۲ص۵۰۴



مسجد در عصر پیامبر ﷺ

ساختن مسجد

آزار و شکنجه مسلمین توسط مشرکین مکه، به غایت رسیده بود، و تحمل آن بر مؤمنان سخت و دشوار می‌آمد، برخی را چون «بلال» شلاق می‌زدند و سنگ داغ بر سینه اش می گذاشتند، برخی را چون «خباب بن الارت» روی آتش می‌گرفتند و برخی را چون «مصعب بن عمیر» که شیک‌پوش‌ترین و مرفه‌ترین جوان مکه بود، زندانی می‌کردند و برخی چون «سمیه» و«یاسر» در این راه شهید می‌شدند و ...

اما مؤمنین صبر آموخته بودند و دین خدا را رها نمی‌کردند؛ تا وقتی که هجرت برای رهایی از تمام مشکلاتی که مؤمنان در مکه با آن روبرو بودند، انتخاب شد. اما به این سادگی نبود.

«هجرت تفریح و سفری سرگرم کننده نبود، بلکه به معنی ترک گفتن وطن و خدا حافظی با تمام پیوند ها بود، هجرت یعنی ترک نمودن تمامی امکانات اجتماعی و رفاهی، ترک سرزمین و اهل و

عیال ، ترک اموال و دوستان ...»[۱]

آری! هجرت یعنی گذشتن ازهمه چیز، حتی جان! ومؤمنین با توکّل بر خداوند متعال، هجرت را برای رهایی از ظلم و احیای دین خدا برگزیدند و آغاز کردند.

[وَ الَّذين هَاجَرُوا فِي اللهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُم فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَ لأَجْرُ الآخِرَةِ أكبَرُ لَو كَانُوا يَعْلَمُونَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلى رَبِّهِم يَتَوَكَّلُونَ]

«کسانی که برای خدا (به مدینه) هجرت کردند، پس از آنکه (در مکه) مورد ظلم و ستم قرار گرفتند، در این دنیا جایگاه خوبی به آنان می‌دهیم، و پاداش اخروی بزرگتر است اگر بدانند. (مهاجران) کسانی‌اند که شکیبایی ورزیدند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.»

برخی در شب و برخی در روز، برخی تنهایی و برخی گروهی، برخی سواره و برخی پیاده، برخی چون «صهیب رومی» از تمام ثروت و دارایی‌اش می‌گذرد و برخی چون ابوسلمه، زن و بچه اش را وا می‌گذارد ...

هجرت به مدینه! به شهری‌که مردم آن پیشاپیش ایمان آورده بودند و با پشتوانه‌ی همین ایمان، آمادگی خود را برای دین خدا، رسول خدا ﷺ و ایمان آورندگان به خدا اعلام نمودند و با:

---

۱. الگوی هدایت، مؤلف علی محمد صلابی، انتشارات حرمین، جلد اول صفحه۵۷۷

طَلَعَ البَدرُ عَلَینا مِن ثَنیةِ الـوَدَاع وَجَبَ الشُّکرُعَلَینا مَا دَعَا لله داع

استقبال خود را ابراز کردنـد، و ایـن ناشـی از شـور و احـساس عمیقی بودکه از محبت به خداوند سرچشمه می‌گرفت و پشتوانه‌ای چون ایمان داشت؛ اما لازم بود که این شور ادامه یابد، تثبیت شود و تربیت گردد، افراد ساخته شـوند، پیمـان بـرادری بـین مهـاجران و انصار بسته شود، تعامل‌های اجتماعی ترمیم شود، بینش تغییر یابـد، حکومت خدایی تأسیس گردد و دین خداوند به جهان عرضه شود.

و برای این کار، مکانی لازم بود که همه‌ی مردم در آنجا حضور یابند، مدرسه‌ای لازم بود که همه در آنجا علم آموزند، سازمانی لازم بود که همه در آنجا برنامه‌ریزی شوند، آموزشـگاهی لازم بـود کـه همه در آنجا آموزش ببینند و محیطـی لازم بـود کـه همـه در آنجـا تربیت شوند و ... مکانی که قرار است توحیـد و یکتاپرسـتی را بـر جامعه بگستراند و تثبیت نماید، مکانی که آسمان را به زمین متـصل کند و انسان را به آسمان برد، مکانی که در دل همه جـای بگیـرد و همه به آن دلبسته شوند، مکانی که هر غریبه‌ای در آنجا آشنا باشد و هیچکس غریبی نکند.

و این مکان مسجد بود.

«پیامبر ﷺ از بدو ورودش به مدینه، برای تثبیت پایه‌های دولـت جدید، به صورت محکم و راسخ تلاش می‌نمود؛ پـس اولـین گـام مبارک، اهتمام ورزیدن به ساختن پایه‌های امت بود. تأسیس مسجد

بزرگ مدینه، برقراری پیمان برادری و مواخات بین مهاجران و انصار؛ صدور قانون اسلامی در مدینه برای منظم‌کردن روابط بین مسلمانان و یهودیان و مشرکان و ...»[۱]

مسجد به حدّی دارای اهمیت است که پیامبر ﷺ قبل از هرکاری به ساختن آن همّت گمارْد، پیامبر ﷺ مسجد را تأسیس کرد تا همه‌ی مؤمنین به آنجا روی آورند، بدون هیچ تفاوتی، بدون هیچ تبعیضی تا بدین وسیله از ایشان امتی متحد، یکپارچه، نمونه و حکومتی مستقل، خدایی و مستحکم را بسازد.

درس فراموش نشدنی

پیامبر ﷺ در ساختن مسجد شرکت نمودند، با دست‌های مبارک و بر شانه‌هایشان سنگ و خشت حمل می‌کردند و در حین کار این جمله را زمزه می‌کردند

«اللَهُمَ لا عِیشَ إلَّا عِیشَ الأَخرة فَاغْفِر لِلأَنصَارِ وَ الْمهاجِرَة»[۲]

«خداوندا زندگی و پاداشی جز زندگی و پاداش آخرت نیست پس مهاجرین و انصار را ببخش»

کار کردن پیامبر ﷺ باعث ترغیب و تشویق بیشتر اصحاب و تقویت ایمان و پشتکار ایشان می‌شد و اصحاب نیز با روحیه‌ی بهتر

---

۱. الگوی هدایت جلداول صفحه ۶۸۴

۲. خورشید نبوت ، صفحه ۳۶۳

و مضاعفی کار می‌کردند، و این درسی بزرگ به تمام رهبران جهان است!

«مسجد (قبا) اولین مسجدی است که از طرف مسلمین ساخته شد و برای ساختمان آن تمام مسلمانهای مدینه (انصار) و چه آنهایی که از مکه به مدینه مهاجرت کرده بودند... در ساختن آن مسجد شرکت کردند، خود محمد ﷺ به همراه ابوبکر رضی الله عنه گل می‌ساخت وخشت می‌زد و عمربن خطاب رضی الله عنه بر دوش سنگ می‌کشید یا اینکه جوالهای پر از خاک را بر دوش می‌نهاد و از دور می‌آورد...»[۱]

مسجدی که بر پایه ی تقوا و تعاون و همکاری و برادری ساخته شد واین مسجد مأوای همه ی مسلمانان شد.

آری! مسجد ساخته شد که تمام جنبه های زندگی مسلمانان را رهبری کند و دین خدا از آنجا به تمام نقاط جهان عرضه شود، مسجد ساخته شد که مسلمانان با هم آشنا شوند و برادر باشند، کینه‌ها از بین برود، مسجد ساخته شد که تمام فعالیت‌های امت و دولت اسلامی از آنجا نشأت بگیرد، مجاهدین از آنجا مجهز به سلاح ایمان شوند، و در مسجد عهد بسته شد که جهان را سراسر اسلام و آبادانی فرا گیرد.

---

۱. محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت، مؤلف کنستان ویرژیل گئورگیو، مترجم ذبیح الله منصوری، صفحه۱۸۷

«مسجد در زمان طلوع اسلام، یک مرکز ملی برای تعلیم و تربیت، کنگره‌ای محلی برای مشورت و همفکری و انجمنی برای کسب آشنایی و پیوند دوستی مسلمانان و آموزشگاهی برای پرورش عملی اساسی بود.»[۱]

«مسجد در عهد رسول خدا ﷺ محور تمام فعالیت های جامعه‌ی اسلامی بوده و تنها به عنوان یک مرکز تعلیم و تربیت، کانون ادبی، پارلمان شور و مشورت، دیدار و ملاقات و....به شمار می‌رفت. مسجد مرکز ورود سفرا و نمایندگان نواحی مختلف جزیره عربی بود و پیامبر ﷺ در این مکان با سفرا و کاروانهای اعراب ملاقات می‌نمود و در آنجا به موعظه و سخنرانی‌هایی پیرامون مسائل دینی، اجتماعی و سیاسی و ... می‌پرداخت.»[۲]

«مسجد در آن زمان تنها مکانی برای نمازگزاران نبود؛ دانشگاهی بود که مسلمانان در آن تعالیم و رهنمودهای اسلام را فرا می‌گرفتند؛ باشگاهی بود که قبایل و طوایف مختلف که از دیرباز بر اثر گرایش‌های جاهلی با یکدیگر در ستیز و نبرد بودند، در آنجا فراهم می‌آمدند؛ پایگاهی بود که همه‌ی امور از آنجا اداره می‌شد، مسجد خانه‌ای بود که در آن شمار بسیاری از بینوایان مهاجرین و پناهندگان که در مدینه خانه و ثروت و خانواده و فرزندانی نداشتند،

---

۱. عبادت در اسلام، صفحه ۲۳۸

۲. دیدگاه فقهی معاصر، جلد ۲، صفحه ۵۰۱

سکونت می‌کردند.»[۱]

در عصر پیامبر ﷺ مسجد ساخته شد که همه ی مسلمانان در آنجا حضور یابند و راه زندگی خود را از آنجا مشخص نمایند، آری! مسجد فقط برای نماز خواندن ساخته نشد و در اسلام صرفاً جایگاه عبادت‌های فردی نیست، مسجد ساخته نشد که فقط در آنجا نماز خوانده شود و قرآن تلاوت گردد، بلکه مسجد ساخته شد که راه هدایت را به مؤمنان بنمایاند، دین را به شیوه‌ای عملی بشناساند و ارتباط خلق و خالق را آموزش دهد؛ در صدر اسلام از مسجد در جهت آموزش دین و عبادت، کار و کوشش، همکاری و تعاون، برادری و برابری، وحدت و یکسانی و هدایت و پیشرفت، استفاده می‌شد؛ در عصر رسول الله ﷺ مسجد، مکانی برای فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود، مکانی که تمام زندگی مؤمنان را جهت داد و رهبری نمود. اما متأسفانه بعد از تغییراتی که پیش آمد و بدعت‌هایی که ایجاد شد، مسجد نقش تربیتی و فرهنگی خود را از دست داد و فقط به مکانی برای عبادت تبدیل شد. «مسجد در بهترین قرون این امت و در اعصار شکوفایی اسلام اینگونه بوده است ولی هنگامی که ستاره های تمدن اسلامی به افول گرایید و مسلمانان در زمینه‌های گوناگون زندگی عقب ماندند، به تبع آن مسجد هم تغییر یافت و

---

۱. خورشید نبوت، صفحه ۳۶۴

منحصراً به مکانی برای فعالیت‌های فردی از جمله: ادای نماز و ... محدود شد و خطبه‌ها و مواعظی که در آن ایراد می‌شد حالت رکود و بی‌روحی داشت.»[۱]

مسجدی که در زمان پیامبر ﷺ، فضای افزایش ایمان و نشاط در بین مؤمنان بود، هم اکنون به مکانی برای تعزیه و ناراحتی تبدیل شده است! مسجدی که مکان وحدت و یکپارچگی مسلمانان و محیطی برای انجام سنت‌های مطهر نبوی بود، هم‌اکنون به مکانی پر از تفرقه و بدعت تبدیل شده است! مسجدی که همه‌ی امور مؤمنان و حکومت اسلامی از آنجا رهبری می‌شد، هم اکنون .... بااین شرایط باید دوباره مساجد را روح تازه بخشید و آنرا با ایمان وعمل صالح تزئین کرد و علاوه بر عبادت‌های روزانه، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی را در آنها رواج داد، و با الگوبرداری از مسجد نمونه‌ی پیامبر ﷺ مسجد را به مکانی برای حضور همه‌ی مردم و برای تربیت و دعوت مسلمانان و پیشرفت و شکوفایی امت و دولت اسلامی تبدیل کرد.

---

۱. دیدگاه فقهی معاصر، جلد ۲، ص۵۰۳



مسجد و تربیت امّت

تربیت عبارت است از پرورش و هدایت بر اساس رهنمودهای مفید و قرار گرفتن بر مسیری مشخص و پیروی و تبعیت از قوانین و پایبند بودن به برنامه‌های آن؛ پر واضح است که هر برنامه و قانونی کامل نیست و نمی‌تواند فرد را به گونه‌ای تربیت سازد که به همه‌ی نیازهای وی پاسخ گوید و تمام جوانب زندگی وی را در بر گیرد، اما دین و شریعت خداوند متعال از هر جهت کامل است و انسان را به جایگاهی که لیاقت اوست، می‌رساند و او را برای زندگی سالم تربیت می‌کند.

تربیت دینی و اسلامی تربیتی است که بر قوانین و رهنمودهای شریعت استوار و بر اساس آن پایه‌ریزی شده باشد و فرد بوسیله‌ی آن مسیر هدایت را پیدا نماید و فردی تربیت می‌یابد که بر اساس برنامه‌ی دین زندگی کرده باشد.

اما دین خداوند متعال دشمنان قسم خورده‌ای[1] دارد که در

---

۱. اشاره به قسم خوردن شیطان برای گمراه کردن بندگان. [قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُم أجمعين]ص/۸۲

تلاشند بندگان خدا را از راه راست منحرف گردانند و آنان را به نافرمانی و امور ناروا تشویق کنند و فرد را بسوی غرق‌شدن در میان مادیات و شهوات سوق دهند. اما کسانی که خواهان هدایت و تربیت بر اساس ایمان هستند و بدنبال رستگاری می‌باشند، لازم است به پا خیزند و راه دین را در پیش گیرند.

اسلام و اجتماع

آیین سعادت بخش اسلام، همان طور که هدایت را مشخص نموده، راه‌های رسیدن به هدایت و مبارزه با شیطان و گمراهی را نیز معرفی کرده است.

یکی از راه‌های کسب هدایت، شرکت در اجتماع و فعالیت جمعی و پرهیز از فردیت و عزلت‌گزیدگی است؛ یکی از انحرافاتی که پیروان عیسی مسیح(ع) پدید آوردند، عزلت گزیدگی و رهبانیتی بود که فرد را ملزم به کناره‌گیری از مردم می‌کرد.

[... وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوها مَا كَتَبْنَا عَلَيهِم ...] حدید/۲۷

«... رهبانیت سختی را پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم ...»

دین اسلام نیز، گوشه‌گیری و عزلت‌گزیدگی و دوری از مردم و اجتماع را نهی کرده و به شدت با آن برخورد می‌کند و نمونه‌ی بارز آن پیامبر ﷺ است که هم عبادت می‌کردند و هم در میان مردم و

جامعه قرار داشتند. هم خانواده تشکیل دادند و هم رهبری امت را بر عهده گرفته بودند.

انسان به گونه‌ای خلق شده است که اجتماع، برای او بسی سازنده‌تر و مفیدتر از تنها بودن است، و روح و نفس انسان در انجام کارهایش، در میان جمع، بیشتر ترغیب و تشویق می‌شود،[1] امّا اگر فرد تنها باشد، نمی‌تواند کارهایش را به صورت همیشگی و پیشرفتش را به صورت مستمر و نیازهایش را به طور کلی برطرف سازد.

دین اسلام همیشه فرد را به اجتماعی بودن تشویق می‌کند و او را از تنهایی و جمع گریزی باز می‌دارد، دین اسلام نیز برای افرادی که در جامعه حضور دارند، نازل شده است و اکثر برنامه‌های آن در صورت وجود جمع و گروه اجرا خواهد شد و فرد تنها، هیچگاه قادر به اجرا کردن کامل شریعت اسلام نیست.

«مسلمان مؤمن به تنهایی و به گونه‌ای مستقل نمی‌تواند دنیا و دین خود را سامان دهد، بلکه برای او ضروری است که به یاری و مدد برادر خویش برخیزد و در غیرِ آن، از تحمل مسئولیت‌های خویش عاجز می‌شود و نظام دنیا و آخرت و حیات او درهم و

---

۱. این حالت را می‌توان به «تأثیر جمع بر فرد» نام نهاد، که جمع و گروه در آرا و عقاید و اعمالش بر فرد تأثیر می‌گذارد و او را به سوی خود فرا می‌خواند.

برهم می‌شود.»[۱]

پیام‌آور رحمت ﷺ نیز می‌فرماید:

[يَدُ اللهِ مَعَ الجَمَاعَةِ وَ مَنْ شَذَّ شَذَّ إِلَى النَّارِ][۲] ترمذی

«دست خداوند با جماعت است و کسی که از آن بریده گردد، به سوی جهنم رهسپار می‌گردد.»

پیامبر ﷺ در این حدیث، درس اجتماعی بودن و در کنار هم بودن را به ما می‌دهد و به همراهی کردن جماعت تأکید می‌کند و مؤمنان را از جدا شدن از امت اسلامی برحذر می‌دارد و بیان می‌کند که جمع بودن و فعالیت گروهی از اموری است که انسان را به هدایت نزدیک نموده و از آتش جهنم دور می‌گرداند.

آری! هنگامی که فرد تنهاست، شیطان او را بیشتر وسوسه می‌گرداند، تا جایی که فرد در تنهایی ممکن است، بر سستی در عمل و عبادت و یأس و پوچی بگراید. و انسانی که تنهاست و با جماعت ـ امت اسلامی ـ همراه نیست، نمی‌تواند در برابر آن وسوسه‌ها مقاومت کند. همانطور که پیشوای ما ﷺ فرموده است:

[إنَّ الشيطانَ ذِئبُ الإنسانِ كَذئبِ الْغنمي يأخذُ الشَّاةَ القَاصِيَةَ وَ النَّاصِيَةَ][۳] امام احمد

---

۱. ویژگی‌های مؤمن در قرآن کریم، مؤلف: عبدالمقصود عبدالرحیم، مترجم: احمد قتالی کبرزانی، ص ۷۱

۲. دیدگاه فقهی معاصر، مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی، مترجم: احمد نعمتی، ج۱ص۳۴۰

۳. دیدگاه فقهی معاصر، ج۱ ص۳۳۹

«شیطان گرگ انسان‌هاست، همان طور که گرگ، گوسفند دور افتاده و جدا شده را از صاحبش را به دام می‌اندازد»

آری! شیطان نیز انسان‌های تنها و بریده از جماعت و امت را گمراه کرده و به دام ضلالت می‌کشاند.

به همین خاطر برای رسیدن به شاهراه هدایت و پیروزی بر نفس و شیطان، شرکت در فعالیت‌ها و عبادت‌های گروهی و همراهی اجتماع، لازم و ضروری است و بدون آن میسر نخواهد بود.

نماز جماعت

یکی از عبادت‌هایی که در اسلام به صورت جمعی برگزار می‌شود و جمعی بودنش بر کامل‌تر بودن آن دلالت می‌کند، نماز است. نماز جماعت یکی از عبادت‌هایی است که بیش از هر چیز، مؤمنان را به دور هم و انجام فعالیت و عبادت جمعی وادار می‌سازد و هیچ عبادتی این چنین پی در پی و روزانه نیست، عبادتی که در آن هر روز، مسلمانان با هم اجتماعی را تشکیل می‌دهند و به مبارزه با شیطان و ملاقات و گفتگو با خداوند می‌روند.

آری! شریعت اسلام، افراد را روزانه پنج مرتبه به دور هم فرا می‌خواند، تا در کنار هم عبادت کنند و همگی با توکل بر خداوند متعال شیطان را طرد کنند، تا بر هم دیگر تأثیر بگذارند و از همدیگر تأثیر پذیرند و محیطی بسازند که سراسر ایمان جاری است

و هرکسی در چنین فضایی قرار گیرد، حتماً بر ایمان او نیز افزوده می‌شود.

«اسلام، جماعت و اتحاد و نظم و ترتیب را دوست دارد، و از تنهایی و بریدگی بیزار می‌باشد و نماز جماعت یکی از راه‌هایی است‌که اسلام فرزندان خود را در راستای چنین مفاهیم زنده‌ای آموزش می‌دهد.»[1]

به همین دلیل است که پیام‌آور رحمت ﷺ می‌فرماید:

[مَا مِن ثلاثَةٍ فِي قريَةٍ أَوْ بَدْوٍ لا تُقَامُ فِيهِم الصَّلاةُ إلاَّ اسْتَحْوَذَ عَلَيهِم الشيطانُ فَعَلَيْكُم بالجَماعَةِ فَإِنَّما يَأكُل الذئبُ مِنَ الْغَنَمِ الْقَاصِيَةِ][2] احمد و نسائی و حاکم

«هیچ سه نفری نیستند که در روستا یا صحرا گرد هم آیند و نماز را به جماعت برپای ندارند مگر این که شیطان بر آنها چیره می‌شود، (یعنی هر وقت گروهی به سه نفر رسیدند و نماز خود را به جماعت نخواندند، شیطان بر آنها چیره می‌شود). پس بر شما باد که نماز جماعت بخوانید و بر ادای آن مواظبت کنید و به جماعت بپیوندید و تک روی نکنید، چه بی‌گمان گرگ آن گوسفندی را می‌خورد که از گله جدا شده و دور مانده باشد.»

«اسلام فرزندان خود را به جماعت فراخوانده است، تا با

---

۱. دیدگاه فقهی معاصر، ج۱ص۳۳۸

۲. فقه آسان، ص ۱۸۶ و باقیات صالحات ج۱ ص ۳۰۷

یکدیگر آشنا شوند و بیگانه نباشند، به همدیگر نزدیک شوند و دور نباشند، نسبت به هم محبت ورزند و کینه نداشته باشند و در جبهه‌ی واحدی قرار گیرند.»[۱]

در مکه به خاطر وجود ظلم و ستم و شکنجه‌های مشرکین نماز جماعت برگزار نمی‌شد، حتی هنگامی که محمدامین ﷺ در جوار کعبه به تنهایی نماز می‌خواند، مورد آزار و اذیت آنان قرار می‌گرفت.[۲] اما بعد از هجرت مبارک به مدینه و ساخت بنای مسجد النبی، نماز جماعت همواره برگزار می‌شد و پیامبر ﷺ و صحابه در اجرای آن بسیار می‌کوشیدند.

نماز جماعت برتری‌های فراوانی نسبت به خواندن نماز به صورت فردی دارد، پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

[صَلاةُ الجَمَاعَةِ أفضَلُ مِن صلاةِ الفَذِّ بِسَبْعٍ و عشرينَ دَرَجَة][۳] متفق‌علیه

«یک نماز جماعت بیست و هفت درجه بهتر از نماز فردی است.»

آیا تمام تلاش انسان مسلمان برای آن نیست که بتواند توشه‌ای بیشتر و پربارتری را برای قیامت خود مهیا کند؛ پس چگونه این

---

۱. عبادت در اسلام، یوسف قرضاوی، ترجمه: محمدستاری خرقانی، ص۲۳۸

۲. رجوع کنید به خورشید نبوت، مؤلف: صفی‌الرحمن مبارکفوری، ترجمه: محمدعلی لسانی فشارکی، نشر احسان، چاپ اول ۸۵، صص ۱۸۵ـ۱۹۶

۳. اللؤلؤ و المرجان، مؤلف: محمدفؤاد عبدالباقی، مترجم: ابوبکر حسن‌زاده، نشر احسان، چاپ سوم۸۴، ج۱ص۲۹۳

ارزش و اعتبار نماز جماعت را از دست می‌دهد؟

پیامبر ﷺ که برای راهنمایی و ارشاد مردم برگزیده شده است، به نماز جماعت بسیار توجه می‌کرد و نمی‌پسندید که صحابه بدون عذر جماعت را ترک کنند؛ به همین خاطر می‌فرمود که دوست دارم خانه‌ی کسانی را که به نماز جماعت نمی‌آیند (و عذری برای ترک جماعت ندارند) با خودشان آتش بزنم.[1] (که البته پیامبر ﷺ این کار را انجام نداد). چنین سخنانی نشان‌دهنده‌ی اهمیت و جایگاه نماز جماعت در دین اسلام است که امروزه بسیار کم به آن بها داده می‌شود. پیامبر عظیم‌الشأن ﷺ می‌خواهد با این لحن تند به اصحاب ـ و امت اسلام ـ بفهماند که نماز به صورت فردی، آن نمازی نیست که خداوند متعال به آن اشاره کرده است و آن را از پایه‌های اسلام قرار می‌دهد، زیرا تک‌روی و فردیت در دین اسلام روا نیست و تمام جنبه‌های دین به جمع و اجتماع تأکید می‌کند.

الگوی هدایت ﷺ می‌فرماید:

[أَلا أَدُلُّكُم عَلى يَمْحُو اللهُ بِهِ الْخَطَايَا وَ يَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ قَالُوا: بَلَى يا رَسُولُ الله قال: إسباغُ الوُضُوءِ عَلَى المَكارِهِ وَ كَثْرَةُ الخُطا إلى المَسَاجِدِ وَ انْتِظَارُ الصَّلاةِ بَعدَ الصَّلاةِ فذلِكُم الرِّبَاطُ فذلِكُم الرِّبَاطُ][2] مسلم

---

۱. حدیث متفق علیه، همان منبع، ج۱ص۲۹۳

۲. جایگاه‌نمازدراسلام، مؤلف:سعیدبن‌وهف قحطانی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات‌حرمین، چاپ‌اول۸۴، ص ۶۰

«آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که خداوند بوسیله‌ی آن، گناهان شما را نابود می‌کند و به درجات شما می‌افزاید؟ صحابه گفتند: بلی ای رسول خدا. فرمود: کامل‌نمودن وضو هنگام مشکلات زیاد، قدم برداشتن به سوی مساجد و انتظار نماز بعدی پس از هر نماز، پس این است جهاد، این است جهاد.»

آری رفتن به مسجد برای شرکت در نمازجماعت، جهادی مستمر و روزانه برای شکست نفس و شیطان است،که مدام بر بی‌برنامه‌ای و عدم عمل و عبادت وسوسه می‌گرداند و هرکس در این جهاد ـ مبارزه با نفس و شیطان و شرکت در نماز جماعت ـ پیروز شود شایسته‌ی دریافت پاداش و جزای فراوانی است که پیامبر ﷺ آن را بیان می‌کند:

[مَنْ تَطَهَّرَ فِي بيتِهِ ثُمَّ مَشَى إِلَى بَيتٍ مِن بيوتِ الله لِيَقْضِيَ فريضَةٌ مِن فرائضِ الله كَانَتْ خُطْوَتَاهُ إِحْدَاهُمَا تَحُطُّ خَطِيئَةً وَ الأُخرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً][1] مسلم

«هرکس در خانه‌اش طهارت نماید، سپس بسوی یکی از خانه‌های خدا (مساجد) برود تا فرضی از فرایض خدا را ادا کند، با یک گام، گناهی از او می‌ریزد و با گام دیگر درجه‌ای به درجاتش افزوده می‌شود.»

پیامبر رحمت ﷺ که از مؤمنین به خودشان دلسوزتر است، نمی‌خواهد هیچکدام از ایشان چنین برکتی را از دست بدهد، امام

---

۱. همان منبع، ص ۵۵

مسلم از ابوهریرهﷺ روایت می‌کند که: «مردی کور به حضور پیامبر ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ من عصاکش و راهنما ندارم تا مرا به مسجد بیاورد، از پیامبر ﷺ خواست تا به وی رخصت دهد که در خانه‌اش نماز خواند، پیامبر ﷺ به او رخصت داد، چون او برگشت، پیامبر ﷺ او را باز خواند و به وی گفت: [هَلْ تَسْمِعُ النِّدَاءَ بالصَّلاةِ؟] آیا صدای اذان را می‌شنوی؟ گفت: آری، فرمود: [أَجِبْ] پس باید جواب بدهی و به نماز جماعت بیایی.»[1] یعنی لازم است که هر کس صدای اذان را می‌شنود آن را با رفتن به مسجد و شرکت در نماز جماعت لبیک گوید.

درباره‌ی حکم نماز جماعت در بین مذاهب، اختلاف وجود دارد. «اما اکثریت علما رأیشان بر آن است که اقامه‌ی نماز جماعت، واجب کفایی است.»[2]

یعنی بر تمام مسلمانان واجب است نماز جماعت را اقامه نمایند، تا وقتی که تعدادی از مؤمنان آن را انجام دهند، و ترک آن در صورت داشتن عذر، گناهی ندارد اما ترک آن بدون عذر جایز نیست، در این صورت آیا رواست که ما صدای اذان را بشنویم و عذری هم برای ترک آن نداشته باشیم و جواب آن را با حضور در

---

۱. فقه السنه، مؤلف: سید سابق، مترجم: محمود ابراهیمی، انتشارات مردم سالاری، چاپ دوم ۸۷، ج۱ ص ۳۶۴

۲. دورنمای جامعه‌ی اسلامی، مؤلف: دکتر قرضاوی، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، ص۸۷

مساجد و شرکت در نماز جماعت لبیک نگوییم؟!

خداوند به این بندگان افتخار می‌کند

در حدیثی قدسی از عبدالله بن عمرو بن عاص ﵁ روایت شده است که گفت: «با پیامبر ﷺ نماز مغرب را خواندیم، (بعد از نماز) هرکس خواست، رفت و هرکس خواست ماند، (بعد از مدت کمی) پیامبر ﷺ با سرعت، نفس زنان در حالی‌که لباسش را به گونه‌ای بالا گرفته بود که زانوهایش دیده می‌شد، آمدند و فرمودند: مژده! مژدگانی بدهید! این پروردگار شماست (که به شما مژده می‌دهد) او دری از درهای آسمان را باز کرده است و به شما بر فرشتگان مباهات می‌کند و به آنان می‌فرماید: به بندگانم بنگرید و (ببینید) که چگونه نماز واجبی را انجام داده‌اند و منتظر نماز دیگری هستند.»[1]
ابن‌ماجه

این نشان دهنده‌ی اهمیت و جایگاه خواندن نماز جماعت در مسجد می‌باشد. چرا که چنین عملی جز از کسی که دارای ایمانی نیرومند و توأم با عمل و عبادت است، بر نمی‌آید.

پس بر هر مسلمانی واجب است که در هنگام شنیدن صدای اذان که مسلمانان را به ملاقات با خداوند متعال دعوت می‌نماید، آن

---

۱. احادیث قدسی، مؤلف: درویش جویدی، مترجم: جهانگیر ولدبیگی، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۶، ص ۱۶۱

را لبیک گوید و در صورت نداشتن عذر آن را ترک نکند.

مسجد

در دنیای امروز که هر سری سودایی دارد و هر دل، دریایی از آرزوها، در روزگاری که هرکسی به فکر خویش می‌باشد و دیگران برایش اهمیتی ندارند، در زمانی که لذت‌های دنیوی و مادی، به هدف انسان‌ها مبدل گشته و هر چیز مخالف آن، حتی دین! را نادرست می‌پندارند، در وضعیتی که برابری و برادری به خاک سپرده شده، در حالتی که محبت و دوستی با آتش کینه و دشمنی سوزانده شده و خاکسترش هم به دریا ریخته شده است! در وضعیتی که فاصله‌ی انسان‌ها روز به روز بیشتر می‌شود و ...

در این شرایط باید جایگاهی باشد که انسان را از منجلاب‌های شهوترانی و گردابهای مادیگرایانه و گردبادهای خداستیزانه رهایی دهد و او را تربیت و هدایت بخشد.

باید جایی باشد که محبت و دوستی را در میان انسان‌ها برقرار کند و آتش کینه و دشمنی را خاموش گرداند، برابری و برادری را در میان انسان‌ها برقرار کند و حسد و سوء ظن را در بین آنها از بین ببرد.

باید مکانی باشد که راه رسیدن به خداوند از آنجا بگذرد، باید جایگاهی باشد که انسان را از بند و اسارت دنیا نجات دهد و روش

درست زندگی کردن و تعامل صحیح با مردم را آموزش دهد و انسان را تربیت کند.

و این مکان مسجد است

مسجد جایگاهی است که افراد آن با نیروی ایمان، به صورت جمعی، یک دل و یک صدا، به جنگ نفس و شیطان می‌روند، افراد مسجد، هرکدام دارای استقلال فکری و شخصیتی جداگانه هستند، اما در عین حال دارای هدف و مسیری مشخص و واحدند که هدفشان عبادت خداوند، خدمت به خلق و یاری رساندن به دین خداست و یکی از مصداق‌های بارز «كَأَنَّهُم بُنيانٌ مَرصُوصٌ»[۱] می‌باشند.

آری! مسجد جایگاهی است که دروازه‌اش به روی همه کس باز است، افراد در آنجا هدایت و تربیت می‌شوند و مسیرشان مشخص می‌گردد و در حقیقت‌مسجد، آموزشگاهی است که هر چیزی را که برای مسلمانان و امت اسلامی مفید باشد، آموزش می‌دهد.

«مسجد در اسلام از مهم‌ترین پایه‌هایی است که تکوین فرد و جمع مسلمان در طول تاریخ، بر مبنای آن صورت گرفته است و

---

۱. این آیه در مورد مجاهدان راه خدا و هنگام صف بستنشان در میدان نبرد، نازل شده است: [إنَّ الله يُحِبُّ الَّذين يُقَاتِلُونَ فِي سَبيلِهِ صَفّاً كَأَنَّهُم بُنيَانٌ مَرصُوصٌ] صف/۴ «خداوند متعال کسانی‌را دوست داردکه در راهش متحد و یکپارچه، همانند دیوار سربی بزرگی، می‌رزمند.» زیرا همین صف بستگان در نماز جماعت هستند که در هنگام جهاد لباس رزم برتن می‌کنند و در همین مساجد است که مسلمانان به جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان اسلام و متجاوزین تشویق می‌شوند.

هنوز هم مسجد از قوی‌ترین ارکان بنیانگذاری تکوین فرد و جامعه در حال و آینده است.»[۱]

«مدرسه‌ای که علم و عمل را با هم آموزش داده و جسم و جان را تطهیر نموده و هدف و وسیله را نشان داده، حق و تکلیف را می‌شناسانید و تربیت را پیش از تعلیم و تجربه را پیش از نظریه و پیرایش نهاد آدمی را قبل از آرایش سرها و قیافه‌ها، مورد توجه قرار می‌داد.»[۲]

«بعد از کمی تأمل، هرکسی در می‌یابد که در تشکیل و تربیت و حفاظت این امت، مسجد و جماعت چه نقش بزرگی دارند. بدین منظور رسول اکرم ﷺ از یک سو تأکید زیادی به ادای نماز همراه جماعت نموده ... و از سوی دیگر به اهمیت مساجد تأکید کردند و بعد از کعبه الله آنها را خانه‌ی خدا و مرکز دینی امت قرار داده و برکات و عظمت و محبوبیت آنها نزد الله تعالی بیان نموده، و امت را تشویق کردند که آدمی در هر کجا که هست روح و قلب او پیوسته به سوی مسجد باشد.»[۳]

راه هدایت از مسجد می‌گذرد

هدایت عبارت است از قرار گرفتن در مسیر دین و شریعت

---

۱. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ص ۲۷۷
۲. عبادت در اسلام، ص ۲۴۴
۳. معارف الحدیث، ج۲ ص ۱۳۱

خداوند، هدایت یعنی عبادت خداوند و خدمت به خلق، یعنی تزکیه نفس و پاک کردن روح از آلودگی‌های گناه، هدایت یعنی صبر، یعنی تعهّد و سازندگی و ...

اما برای نیل به چنین راهی و دستیابی به چنین خصوصیات و اهدافی، لازم است ایمان آوریم و عمل صالح انجام دهیم:

[إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ] یونس/۹

«بی‌گمان کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمان (راستین و کارهای نیک) رهنمودشان می‌نماید (و به بهشت نائلشان می‌کند که) جویبارها در زیر (کاخ‌های) ایشان، در بهشت پرنعمت روان است.»

آری! هدایت خداوند شامل حال افرادی خواهد شد که لیاقت خود را با ایمان و عمل صالح نشان دهند.

از ابن مسعود ﷺ روایت است که پیامبر ﷺ فرمود:

[مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُلْقَى اللهَ تَعَالَى غَدًا مُسْلِمًا فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَؤُلاءِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادِي بِهِنَّ فَإِنَّ اللهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُم ﷺ سُنَنَ الْهُدَى وَ إِنَّهُنَّ مِن سُنَنِ الْهُدَى وَ لَو أَنَّكُم صَلَّيْتُم فِي بُيُوتِكُم كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفَ فِي بَيْتِهِ لَتَرَكَهُم سُنَّةَ نَبِيِّكُم، وَ لَوْ تَرَكْتُم سُنَّةَ نَبِيِّكُم لَظَلَمْتُم ...][1] مسلم

---

۱. فقه السنه، ج۱ص۳۶۵، دیدگاه فقهی معاصر، ج۱ص۳۴۹

«کسی که خوشحال می‌شود از این که فردای قیامت به عنوان یک فرد مسلمان، خداوند را ملاقات کند، هر وقت صدای اذان را از هرجا شنید بدانجا برود، و نمازهایش را به صورت جماعت بخواند و بر این کار پیوسته محافظت نماید، خداوند سنت‌های راهنما و هدایت‌بخش را به پیامبران بخشیده است، که این نمازهای پنج‌گانه، از این گونه سنت‌ها می‌باشد، اگر شما به جای مسجد در خانه‌تان نماز بخوانید، همچنان که این مرد متخلف، نمازش را در خانه‌اش می‌خواند، آن وقت شما سنت پیامبرتان را ترک کرده‌اید، بدیهی است اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید، گمراه می‌شوید.»

عبدالله رضی الله عنه می‌گوید:

«از آن وقت به بعد کسی را از خودمان ندیدم که از جماعت تخلّف نماید، مگر کسی که آشکارا منافق باشد و گاهی پیش می‌آمد که دو نفر یکی را کمک می‌کردند تا او بتواند خود را به مسجد برساند و در صف نماز بایستد.»

در این حدیث پربار، پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتن به مسجد و شرکت در نماز جماعت را یکی از راه‌ها و سنت‌های هدایت معرفی می‌کند و بیان می‌دارد اگر کسی خواهان هدایت است، باید به این سنت پایبند باشد، پی در پی به مساجد رفت و آمد کند و در حد توان نمازها را بصورت جماعت بجای آورد و بدون عذر آنها را ترک نگوید، زیرا همانطور که گفته شد بعد از ایمان عامل اصلی هدایت خداوند متعال، عمل و عبادت بنده است و چه عملی همچون نماز

همیشگی و روزانه است؟

هنگامی که اذان گفته می‌شود، تمام نیروهای غیرخدایی و طاغوتی (شیطان و نفس و دنیا و ثروت و شهوت...) انسان را وسوسه می‌گردانند، تااو را سرگرم سازند و از جماعت و رفتن به مسجد بازدارند، و چگونه انسان هدایت نمی‌یابد، هنگامی که هر روز پنج بار، نفس و شیطان و دنیا را شکست دهد؟!

خداوند متعال می‌فرماید:

[وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُم سُبُلَنَا ...] عنکبوت/٦٩

«و آنان که در راه ما جهاد کنند، همانا راه‌های خود را با آنان نشان خواهیم داد.»

امام ابن قیم می‌گوید:

«خدای سبحان هدایت را به جهاد پیوند می‌دهد، بنابراین کامل‌ترین انسان‌ها در هدایت، موفق‌ترین آنان در جهاد می‌باشد. و واجب‌ترین جهاد، جهادِ با نفس و جهاد با هوا و جهاد با شیطان و جهاد با دنیاست. و هرکس این چهار نوع جهاد را در راه خدا انجام دهد، خداوند به پاس این جهاد و تلاش مبارک او را به سوی راه‌های خود هدایت می‌کند.»[1]

و با توجه به فرموده‌ی الگوی هدایت ﷺ بهترین راه مبارزه و پیروزی بر نفس و شیطان، رفتن به مسجد، شرکت در نماز جماعت

---

۱. آیین تربیتی تابعین، مؤلف: عبدالحمید بلالی، مترجم: عبدالله عبداللهی، نشر احسان، چاپ اول ۸۳، ص۵۶

می‌باشد.

آری! بلند شو و وضو بگیر و از همین امروز راه هدایت را در پیش گیر ...

مسجد و برابری

هنگامی که فرد به مسجد می‌آید و در صفوف نماز جماعت قرار می‌گیرد، می‌بیند که همه در کنار هم صف بسته‌اند و کسی را بر دیگری برتری نیست، می‌بیند که همه، با هر وضعیتی، با هر فرهنگ و نژاد و زبان و رنگی، با هر سطح تعقّل و تفکر و دیدگاهی، با هر مقام و پست و ثروت و مکنتی، شانه به شانه در کنار هم ایستاده‌اند.

می‌بیند و یاد می‌گیرد که چیزهایی چون ثروت و مقام و مرتبه و رنگ و نژاد و قوم و قبیله، سبب برتری بنده‌ای بر دیگر بندگان نمی‌شود و همه در پیشگاه خداوند در یک سطح هستند.

هنگامی که فردی ثروتمند با همه مردم، حتی گداها! در یک صف می‌ایستد و می‌بیند که در پیشگاه خداوند، ثروت او سبب برتری او نمی‌شود، یاد می‌گیرد و تربیت می‌شود که با ثروتش فخر نفروشد و تکبّر نورزد و هیچگاه به سبب آن خود را بالاتر از دیگران نداند و در نتیجه از مالش ببخشد و انفاق کند.

و هنگامی که فردی فقیر و مستمند نیز با همه‌ی مردم، حتی پادشاهان و تاجران! در یک صف می‌ایستد و می‌بیند که در پیشگاه

خداوند، فقر او سبب خواری و زبونی او نمی‌شود، یاد می‌گیرد و تربیت می‌شود که همه با هم یکسان و برابرند و این تقوا و عمل و عبادت است که سبب برتری می‌شود؛ حتی شاید امام مسجد از تمام مأمومانش فقیرتر باشد!!

در مسجد، رئیس و کارمند، عالم و بی‌سواد، شاه و گدا، پدر و فرزند، زن و مرد، کارگر و سرکارگر و ... هیچ تفاوتی ندارند و همه در یک صف، مساوی با هم در پیشگاه خداوند پیشانی بلند خود را بر خاک می‌مالند! و با این کار در نفس‌شان نقش می‌بندد که هیچکس بر دیگری برتری ندارد.

یک محقق مسلمان گفته است: «در مسجد امتیازات و تبعیضات مقامی، مالی، نژادی و رنگی ناپدید می‌شوند و تمام محیط آن از هوای پاک برادری، برابری و محبت آکنده است. این، نعمت بزرگی است که آدمی روزانه، در میان دنیایی تیره از جنگ و جدال، پنج بار از جو دوستی و آرامش کامل بهره‌مند گردد و در حالی که تفاوت و اختلاف، خصیصه‌ای معمولی به شمار می‌رود، از فضای مساوات برخوردار شود و در میان شعله‌های کینه و درگیری‌ها و دشمنی‌های بی‌شمار زندگی روزمره، در محیطی سرشار از محبت قرار گیرد...»[۱]

آری! مسجد افراد را تربیت می‌کند که در دنیا هیچ کس بر دیگری برتری ندارد و همه با هم یکسان و برابرند و کسانی که این

---

۱. عبادت در اسلام، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم: محمد ستاری کیرزانی، ص۲۶۴

چنین تربیت شوند، جامعه‌ای را خواهند ساخت که در آن مساوات و یکسانی جاریست.

مسجد و برادری

یکی از فواید مسجد و نماز جماعت، آشنا شدن برادران مسلمان با هم است، هنگامی که تمام افراد، در یک صف می‌ایستند، با یکدیگر آشنا می‌شوند، و این شناخت سبب ایجاد دوستی و محبتی عمیق در بین آنان خواهد شد.

هنگامی که مؤمنان در کنار هم می‌ایستند و شانه‌ها و پاهایشان به هم متصل می‌شود و همگی دست بسته در برابر خداوند متعال کمر خم می‌کنند و هدفی جز رضایت وی ندارند، محبت و برادری در میان آنان ریشه می‌دواند و تمام کینه‌ها و عداوت‌ها رنگ می‌بازد و از بین می‌رود، دل‌ها به هم پیوند داده می‌شود و رابطه‌ای ناگسستنی و محبتی بی‌پایان در آنان ایجاد می‌شود، برادری و پیوندی که چون به خاطر رضای خداوند است، در قیامت هم باقی می‌ماند و زیر سایه‌ی رحمت باری تعالی قرار می‌گیرند.[۱]

«اساس اسلام بر آشنایی مسلمانان با همدیگر، و همکاری برای احقاق حقوق و از بین بردن باطل استوار است؛ این شناخت و

---

۱. یکی از هفت گروهی که در قیامت زیر سایه‌ی رحم الهی قرار می‌گیرند: «وَ رَجُلانِ تَحابَّا فِی الله اجتَمَعَا عَلَیهِ وَ تَفَرَّقَا عَلیهِ» «دو مسلمانی که صرفاً بخاطر خشنودی الله با یکدیگر دوست باشند و بر اساس آن با هم جمع و از یکدیگر جدا شوند.» رجوع کنید به مختصر صحیح بخاری، ج۱ص۲۳۶

برادری در هیچ جا بهتر از مسجد حاصل نمی‌شود، جایی که مسلمانان هر روز پنج بار همدیگر را ملاقت می‌کنند. هر چند که در میان مسلمانان مصالح دنیوی متفاوت وجود داشته باشد و در درون آنها کینه‌ها ریشه دوانیده باشد، آنان می‌توانند با شرکت مداوم در نماز جماعت حجاب‌های تفرقه و اختلاف را در میان خود پاره کرده و دشمنی‌ها و کینه‌ها را از دل‌های خود بزدایند و این زمانی میسر می‌شود که آنان به راستی به خداوند ایمان داشته باشند و آنچه در ظاهر انجام می‌دهند، اعمّ از عبادات و رفتن به مسجد را بدون ریا و نفاق انجام دهند.»[1]

پیامبرﷺ در مدینه میان مهاجرین و انصار پیمان برادری بست، پیوند محکمی، که امتی شکست ناپذیر را تشکیل داد. جامعه‌ی تازه تأسیس مدینه را به بهترین وجه پایدار ساخت، اما پایداری و ماندگاری این برادری و اخوت، نیازمند مکانی بود که هر روز این پیمان تازه شود و محکم‌تر گردد و این مکان مسجد النبی بود، مکانی که هنگام نماز همه در کنار هم، صفی واحد را تشکیل می‌دادند و به شیطان و فتنه‌هایش نفوذناپذیر می‌شدند، پیامبر ﷺ هنگام نماز جماعت می‌فرمودند:

[إسْتَوُوا وَ لا تَخْتَلِفُوا، فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُم ...][1] مسلم

---

۱. فقه المنهجی، ج۱ ص۲۰۰

۱. ریاض الصالحین، ج۲ص۸۱۵

«مساوی و راست بایستید و اختلاف نداشته باشید که دل‌های شما نیز دچار تفرقه و اختلاف می‌گردد.»

ایستادن در کنار هم به خاطر خداوند، هر گونه کدورت و دشمنی را از میان بر می‌دارد و به جای آن محبتی عمیق را پرروش می‌دهد، حضور در مسجد و نماز جماعت نیز از عوامل اصلی ایجاد برادری و یکپارچگی و وحدت میان مسلمانان است.

در مسجد باید تفرقه و اختلاف را کنار نهاد و با پشتوانه‌ی ایمان، وحدت را شکوفا کرد. نباید برخی مسائل اختلافی کوچک سبب آن شود که فرد از مسجد رویگردان شود. آیا واقعاً ترک کردن مسجد که تنها سنگر و تنها مکان نشان دهنده‌ی وحدت مسلمانان است، آیا جدا شدن از برادران مسلمان که منجر به افزایش روحیه و قدرت دشمنان اسلام می‌شود، بخاطر برخی مسائل اختلافی درست است؟ مسائل اختلافی مهم‌تر است یا اتحاد و یکپارچگی مسلمان؟

آری! باید مساجد را با عبادت و برادری و برابری پر کرد تا دشمنانی را که از تفرقه‌ی ما خوشحالند، ناامید کنیم، و نگذاریم تفرقه بلای جان امت اسلامی گردد.

پایگاه دعوت

دعوت عبارت است از تلاش و کوششی که براساس برنامه و روشی انجام می‌گیرد و بوسیله‌ی آن بندگان در راه خداوند و مسیر

هدایت قرار می‌گیرند و به لباس ایمان ملبّس می‌شوند و دین خداوندی در زندگی آنها وارد می‌شود و بر آن سایه می‌افکند. و تمام زندگی ایشان را تغییر می‌دهد؛ دعوت عبارت است از ساختن جامعه، بوسیله‌ی ساختن فرد، به همین دلیل ساختن جامعه‌ای براساس ایمان و تربیت افرادی متعهّد و متدیّن، بدون دعوت و امر به معروف و نهی از منکر امکان پذیر نخواهد بود، زیرا دین بوسیله‌ی دعوت بیان می‌شود و راه راست بوسیله ی دعوت مشخص می‌گردد. بوسیله‌ی دعوت است که مردمان به اسلام می‌گروند و کفر را ترک می‌کنند، از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها بسوی نور می‌گریزند و دین جاهلانه و نادرست خود را رها کرده و بدین حنیف ایمان می‌آورند، از کارهای زشت و صفات رذیله دور می‌شوند و به انجام کارهای نیک و درست همت می‌گمارند. وظیفه‌ی پیامبران (ع) نیز عرضه کردن دین بود که این امر نیز بدون دعوتی فراگیر و مستمر امکان پذیر نبود.

در جامعه‌ی اسلامی، دعوت امری حیاتی و ضروری است و می‌بایست همیشگی و پایدار باشد، مسلمانان باید برنامه‌ای جامع و مفید را برای این کار طراحی کنند و آن را ترک نکنند، زیرا ترک کردن دعوت و امر به معروف و نهی از منکر به مثابه ی پاک کردن حاکمیت ایمان، در سطح جامعه می‌باشد؛ به همین خاطر خداوند متعال این موضوع را به مسلمانان دستور می‌دهد .

[وَ لْتكُنْ مِنْكُم اُمَّةٌ يَدْعُونَ إلى الْخَيرِ وَ يَأمُرُونَ بِالْمُعروفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَ أولئكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ] آل‌عمران/۱۰٤

«باید از میان شما گروهی باشند که به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارند.»

و دعوت جهادی است مستمر

مسجد در جامعه ی اسلامی مرکز تربیت و پایگاه دعوت است، بر روی منبر مساجد است که احکام دین بیان می‌شود و کارهای نیک و حلال و امور ناروا و حرام برای مردم روشن می‌شود و راه از چاه شناسانده می‌شود؛ همانطور که پیامبر ﷺ مسجد را مرکز دعوت مبارک خویش قرار داد و شریعت را در آنجا برای اصحاب تشریح فرمود و اسلام را در مسجد بر جهانیان عرضه کرد.

«بدون مسجد فرد مسلمان نمی‌تواند پای موعظه و گفتار حق بنشیند تا روح و نفسش به حرکت بیافتد و مشاعر و احساسش شکوفا گردد. بدون مسجد فرد مسلمان نمی‌تواند احکام دین و تنظیم امور دنیوی و امور حلال و حرام و برنامه‌های زندگی و دقایق تشریع را دریابد، بدون مسجد فرد مسلمان نمی‌تواند قرآن بیاموزد و اسباب نزول و تفسیر را یاد بگیرد.»[1]

مسجد پایگاهی است که هر روز پنج مرتبه، ندای دعوتش بر

۱. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ص۴۰

همه جا طنین انداز می‌شود و با «الله اکبر» خداوند را برترین قدرت ها معرفی می‌کند و مؤمنان را دلگـرم مـی‌کنـد کـه از غیـر از خـدا نهراسند و با شناساندن قدرت برتـر، بـی بـاوران را بـه تـسلیم فـرا می‌خواند؛ بـا «أشـهد أن لا إلـه إلا الله» خداونـد را یگانـه معبـود و فریادرس مردم معرفی می‌کند و معبودان دروغین را در هم می‌شکند و بانگ توحید سر می‌دهد و همگـان را بـه یگانـه پرسـتی دعـوت می‌نماید؛ با «أشهد أن محمد رسول الله» رهبری جاده ی هـدایت را بـرای رسـیدن بـه مـأوای سـعادت معرفـی مـی‌کنـد وانـسان را از پیروی‌مادیگرایان و کوته بینان بر حذر می‌دارد؛ با «حيَّ عَلَى الصلاة» و «حيَّ عَلَى الفلاح» ایمانداران را به گفتگو با مولای خویش دعوت می‌نماید و به رستگاری بشارت می‌دهد.

آری! حقیقتاً مسجد پایگاه دعوت به سـوی خـدا و خداپرسـتی است.

مسجد باید به عنوان مکانی برای بیان عقیـده و بـاور و تـشریح اسلام و احکام و روایت سیره‌ی امام انبیا ﷺ و اصـحاب گـرامیش قرار گیـرد، فـرایض بـرای مـردم مـشخص گـردد و سـنت مطهـر شناسانده شود و با بدعت های بوجود آمده مبارزه گردد؛ آری! منبر مسجد باید به ندایی برای آزادی انسان‌ها از قید دنیـا و رسـیدن بـه خداوند متعال و صدایی برای تجهیز سپاه ایمان و مبارزه با طاغوت و دشمنان‌خدا تبدیل گردد.

و این ارشادی است برای تمام داعیانی که می‌خواهند بسوی خداوند دعوت کنند، که مسجد را پایگاه دعوت خویش قرار دهند، زیرا مسجد باعث تربیت و تکوین شخصیت فرد و آشناشدن وی با سایر مسلمانان و ایجاد محبتی ناگسستنی بین ایشان می‌گردد. «اگر مسلمین می‌خواهند، پایه‌گذار اساس محکم و استوار جامعه‌ی اسلامی در تمام نقاط دنیا باشند، و اگر می‌خواهند مانند گذشتگان بزرگوار خود عزت و رفعت و دولت و کیان اسلامی را تحقق عینی بخشند، باید مساجد را همچنان زنده و پویا و با طراوت نگاه دارند.»[۱]

اعتکاف، سنت فراموش شده

اعتکاف، یعنی جدا شدن از مادیات، برای درک معنویات.

یعنی جلوگیری از غرق‌شدن در مادیات و شهوات.

یعنی بریدن از دنیا، برای رسیدن به سعادت در آخرت.

اعتکاف یعنی ماندن، برای رسیدن به خدا.

اعتکاف از ریشه‌ی «عَکَفَ» به معنی «خود را بند کردن و بازداشتن و گوشه‌نشین شدن و عاکف کسی است که گوشه‌نشین می‌شود و از مردم کناره‌گیری می‌کند.»[۲] و اعتکاف یعنی ماندن در

---

۱. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ص ۲۷۸

۲. فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی (المنجد) مؤلف: احمد سیاح، انشارات اسلام، چاپ ششم۸۵، ج۲ص۱۳۲۷

جایی و ماندگاری بر کاری.

اما در اصطلاح شرع، به معنی ماندگاری و ماندن در مسجد، به قصد و نیت عبادت خداوند متعال است، یعنی این که مدت معینی را در مسجد گذرانده و در آن مدت به عبادت مشغول شد.[1]

اعتکاف در احکام و شریعت پیامبران گذشته نیز وجود داشته است:

[وَ عَهِدْنَا إِلَى إبرَاهِيمَ وَ إسماعِيلَ أَنْ طَهِّراَ بيتِيَ للطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ] بقره/۱۲۵

« ... و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ی ما را برای طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان در رکوع و سجود برندگان پاک و پاکیزه کنید.»

حضرت مریم نیز در بیت‌المقدس از مردم کناره می‌گرفت و در گوشه‌ای عبادت می‌کرد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز اعتکاف می‌کرد، ایشان قبل از بعثت، هرسال مدت معینی را به غار حرا می‌رفتند و از مردم کناره می‌گرفتند و به تفکر می‌پرداختند، بگونه‌ای که این تفکرات نقش بسزایی در ساختن شخصیت پیامبر ﷺ داشت.

بعد از بعثت نیز پیامبر ﷺ در مسجد اعتکاف می‌کرد و به عبادت می‌پرداخت. اعتکاف در هر زمانی مستحب و نیکوست، اما

---

۱. برای آگاهی به احکام اعتکاف به کتاب آداب و شرایط اعتکاف نوشته‌ی محمدعلی خالدی و فقه‌آسان ص ۳۰۶ـ۳۰۹ مراجعه فرمایید.

در ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است، زیرا شاید مقارن با شب پر فضیلت قدر باشد. پیامبر ﷺ هر ساله ده روز آخر ماه مبارک رمضان را به اعتکاف می‌نشستند. ام المؤمنین رضی‌الله عنها می‌فرماید:

«رسول الله ﷺ تا زمانی که فوت کرد، دهه‌ی آخر رمضان را به اعتکاف می‌نشست، سپس بعد از او، همسرانش نیز معتکف می‌شدند.»[۱] متفق‌علیه

در این حدیث هم اهمیت اعتکاف بیان شده است و هم نشان می‌دهد که زنان نیز می‌توانند معتکف شوند و در مسجد بمانند و عبادت کنند.

متأسفانه به خاطر ازدیاد محبت دنیا در درون دل‌ها و اطمینان کردن به مادیات و قرار دادن ثروت و مکنت به عنوان هدف، امروزه این سنت پاک و مؤثر کمرنگ و فراموش شده است.

چه نیکوست ما جزو افرادی باشیم که سنت‌های پیامبر ﷺ را زنده می‌کنیم و آن را در جامعه تبلیغ و رواج می‌دهیم، پیام‌آور غیب ﷺ می‌فرماید:

[مَن سَنَّ فِي الإسلامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أجرُهَا وَ أجرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بعْدَهُ و ...][۲]

---

۱. مختصر صحیح بخاری، ج۱ ص ۵۴۳ و اللؤلؤ و المرجان، ج۲ ص ۴۹

۲. به نقل از کتاب بدعت و تأثیر ناگوار آن در جامعه، مؤلف: سلیم الهلالی، مترجم: ابراهیم احمدی، ص ۳۱

«هرکس سنت نیکویی را در اسلام پایه‌ریزی کند، پاداش آن و پاداش هرکس که بعد از او بدان عمل کند به وی می‌رسد.»[۱]

هدف از اعتکاف عبادت و بازگشت به خویشتن و نزدیک شدن به خداوند متعال است؛ اعتکاف تأثیر بسیار زیادی بر روح و روان آدمی می‌گذارد، باعث می‌شود که انسان از فکر جسم مادی خارج گردد و به روح بپیوندد، هیچ شکی نیست که روح و نفس بیشترین تأثیر و تربیت را از عمل می‌گیرد. اعتکاف نیز عملی است که دور از هرگونه دنیای مادی است و این باعث می‌شود که نفس به یاد مرگ و قیامت و محاسبه و بهشت و دوزخ و نقش اعمال و عبادت خود بیفتد و تأثیر پذیرد و تربیت گردد و تزکیه‌ای در ایمان و باور و عمل و عبادتش بدهد، نه مانند مردی که با دنیا و مادیات تربیت شده است و فقط پول و مقام و ثروت و مکنت برایش مهم است.

«دنیاپرستی، سبب افزایش روی آوردن و خواهش نفس بر آن

۱. برخی افراد این حدیث را دلیل بر جایز بودن بدعت می‌دانند و آن را بدعت حسنه می‌نامند، این سخن صحیح نیست؛ زیرا دین ما هیچ کمبودی ندارد و کامل است و نیازی به تشریع انسان‌ها ندارد و پیامبر ﷺ نیز ذره‌ای از این را پنهان کرده و به آن خیانت روا نداشته است، بلکه مفهوم این حدیث بر زنده‌کردن و احیای سنت‌های پیامبر ﷺ است، سنت‌هایی که به هر دلیلی در جامعه کمرنگ و فراموش شده است و به جای آنها بدعت رواج یافته است. مفهوم آن ترغیب و تشویق مؤمنان بر انجام سنت‌های پیامبر ﷺ است که در بین مسلمانان صورت نمی‌گیرد. و هرگز منظور از این حدیث ایجاد بدعت حسنه!! نیست. زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَن أحدَثَ فِي أمرِنَا هذا مَا ليسَ مِنهُ فَهُو رَدٌّ» متفق علیه «هرکس بدعت و چیز تازه‌ای را در دین اسلام بیاورد، این کار در دین ما نیست و مردود است.» رجوع کنید به اربعین نووی، حدیث ۵. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب بدعت و تأثیر ناگوار آن در جامعه نوشته سلیم الهلالی و کتاب حقیقت دین و افسانه خرافات نوشته محمدغزالی مراجعه فرمایید.

می‌شود و بعید است، جز خلوت‌گزینی و افزودن حب خداوند و دوری از محرمات، چیزی بتواند مانع هوای نفس و بازداشتن آن از خواسته‌های دنیوی باشد و نفس را تربیتی صحیح نماید.»[۱]

و چه خلوتی بهتر از عبادت خداوند و چه گوشه‌ای بهتر از مسجد و چه کاری بهتر از اعتکاف؟!

امام ابن قیم می‌فرماید:

«هدف از اعتکاف و روح آن، دل را به ذات پروردگار وابسته کردن است. بدین صورت که از همه‌ی جوانب منقطع و با او مجتمع شود، در عوض همه‌ی مشغولیت‌ها، با همان ذات پاک مشغول شود.»[۲]

آری! واقعاً اعتکاف سنت نیکویی است که انسان را به عبادت و تفکر و نزدیک شدن به خداوند می‌رساند و از غرق شدن در گرداب دنیاپرستی و منجلاب شهوترانی نجات می‌دهد و ایمان و باورش را استوار و روحش را تزکیه و نفسش را تربیت می‌گرداند.

تفکر کنید

[قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا مَثْنَى وَ فُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ...] سبأ/٤٦

«بگو من شما را تنها یک نصیحت می‌کنم، و آن این است که

---

۱. فقه منهجی، ج۱ص۳۹۱
۲. آداب و شرایط اعتکاف، مؤلف: محمدعلی خالدی، نشر احسان، چاپ اول ۸۲، ص ۲۵

خالصانه برای خدا، دونفر دونفر، و یا یک نفر یک نفر، برخیزید، سپس بیندیشید...»

قسمتی از اعتکاف را به تفکّر اختصاص دهید، زیرا تفکّر باعث ایجاد بینش صحیح و از بین بردن دیدگاه‌های نادرست می‌شود. تفکّر باعث می‌گردد که انسان، راه‌های نزدیک‌تر شدن به خدا را پیدا نماید و به خود آید و نگذارد که در دنیا و مادیات محو و نابود شود.

محاسبه کنید

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُم قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا...» عمر بن خطاب رضی الله عنه

مدتی از اعتکاف را به محاسبه بپردازید، خویشتن را محاسبه کنید و از خود سؤال نمایید که در کجا کوتاهی کرده‌اید، سؤال کنید که چه چیزهایی باعث پیشرفت شما شده است.

چه نیکوست که در هر هفته زمانی معین را به اعتکاف بنشینیم و خویشتن را محاسبه کنیم و بنگریم در هفته‌ای که گذشت، چه کرده‌ایم و چه نکرده‌ایم.

خود را محاسبه کنیم و برای هفته‌ی بعد، برنامه‌ریزی کنیم که هرکاری ما را از خدا دور کرده است، ترک کنیم و هرکاری که به نفع ایمان خود و افراد جامعه است، انجام دهیم.



مسجد و توطئه علیه آن

دشمنی و عداوت با اسلام و جنگ طلبی علیه مسلمانان تاریخی طولانی به درازای تاریخ مبارک اسلام دارد. از هنگامی که پیامبرﷺ دعوت خویش را فریاد زد، دشمنان قد علم کرده و به مبارزه با آن پرداختند، زیرا با گسترش دین اسلام دیگر جایی برای حکومت ظالمان و زورگویان وجود نخواهد داشت.

آری! از همان آغاز ظهور، مشرکان مکه شروع به آزار و اذیت و شکنجه ی گرویدگان به دین جدید! کردند، منافقان و یهودیان در مدینه، برای نابودی دین اسلام، دست به نیرنگ و توطئه زدند، مسیحیان مشرک و متعصب در سال ۱۰۹۹ میلادی در بیت المقدس هفتاد هزار مسلمان را به شهادت رساندند و قدس را با خون رنگین کردند.[1] مغولان خونخوار، تحت حمایت و به دستور صلیبی‌ها ـ به عنوان حمله صلیبی مغول ـ در قرن سیزدهم میلادی، به سرزمین‌های حکومت اسلامی حمله کرده و بیش از ۱،۶۰۰،۰۰۰ هزار مسلمان بیگناه را از دم تیغ گذراندند، در طول چهار قرن

---

۱. ترور، اسلام، مکولاریسم، مؤلف علی باپیر، مترجم کمال روحانی، صفحه ۳۸

مسیحیان اروپا، چند میلیون مسلمان را از پای در آوردند[۱]! حاکمان سفّاک و جنایتکار کمونیست ـ استالین و لنین در روسیه و ماوتسی تونگ در چین ـ شروع به تهدید و ارعاب و تعذیب مسلمانان نمودند و هزاران نفر در بوسنی و هرز گوین، کوزوو، چچن و... فقط به جرم مسلمان بودن کشته شده‌اند!

آری! دشمنان اسلام، در هر زمان و مکانی، می‌کوشند تا به هر شکلی ضربه‌ای بر پیکره‌ی این دین وارد کنند و آن را ضعیف سازند، می‌خواهند خدا و دین و آیین یکتاپرستی و عبادت را از زندگی مؤمنان حذف کنند، تا خود بتوانند بر تمام دنیا حکمرانی کنند و برنامه و روش و افکار نادرست خود را بر جوامع جهان حاکم سازند.

اما تاریخ به همگان نشان داد که هیچ قدرتی قادر به شکست دادن قدرت ایمان نیست.

به همین خاطر راه ترویز در پیش گرفتند و با نیرنگ و فریب شروع به نابود کردن دین خدا نمودند!

وارثان این خونخواران تاریخ، همان کسانی هستند که امروزه نقاب به چهره، گرگ صفت و با لباس میش ، با نامهای دمکراسی و حقوق بشر و.... حمله را آغاز کرده‌اند و دست دوستی را در روز دراز کرده تا خنجر دشمنی را در شب بر قلب اسلام فرو کنند!

---

۱. جهاد و دعوت، مؤلف محمد غزالی، مترجم عمر قادری، صفحه ۱۰۱

آری! دشمنی با اسلام از روز اول آغاز شد و پایان نخواهد پذیرفت.

توطئه برای مسجد

یکی از نقشه هایی که دشمنان برای مبارزه با دین خدا کشیدند، ضربه زدن به قلب امت اسلامی یعنی مسجد بود، آنان به ارزش مسجد و نقش والای آن در تربیت افراد آگاهند، به همین خاطر با تمام امکانات خویش می‌کوشند، آن را از بین ببرند.

خداوند متعال نیز این توطئه را بر ملا می‌سازد و مسلمانان را آگاه می‌کند که آگاه باشید: افرادی در صدد تخریب مساجد و ریشه کن کردن نام خداوند در آنها هستند؛

[وَ مَنْ أظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللهِ أنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرابِهَا اوُلَيِكَ مَا كَانَ لَهُم أنْ يَدْخُلُوها إلاَّ خَائِفِينَ لَهُم فِي الدُّنيَا خِزْيٌ وَ لَهُم فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ] بقره/۱۱٤

«و چه کسی ستمگرتر از کسانی است که نگذارند در مساجد و اماکن عبادت خدا، نام خدا برده شود و در ویرانی آنها بکوشد؟شایسته اینان نبود که چنین کنند بلکه می‌بایست جز خاشعانه وارد آنها نشوند، بهره ی آنان در دنیا رسوایی و در آخرت عذاب بزرگی است»

حقیقتاً که ظالمترین افراد کسانی هستند که به مخالفت و جنگ با خداوند زره پوشیده‌اند! کسانی هستند که خدا دوستان را از راه

یکتاپرستی منحرف می‌کنند و زبانشان را به خاطر آوردن نام خداوند می‌برند! کسانی هستند که خانه‌های خداوند را از نام خداوند پاک می‌کنند و همیشه مشغول ضربه‌زدن و نقشه کشیدن برای نابودی مساجد هستند.

«هیچ کس ستمگرتر از شخصی نیست که نگذارد مردم عبادت خدا را در خانه‌های خدا به جا آورند و یا در صدد تخریب مساجد برآید و همانطور که رومی‌ها بیت‌المقدس را ویران کردند و یا این که سعی کند عبادت در آن متوقف شود، همانطور که کفار قریش چنین کردند.»[1]

این دشمنان می‌کوشند که نام و یاد خداوند را در مساجد منع کنند زیرا هر جایی ذکر و یاد خداوند باشد، نشان‌دهنده‌ی وجود افراد مؤمن و متدین و نشان‌دهنده‌ی گسترش شعله‌های ایمان و نشان‌دهنده‌ی وجود قدرت ایمان است و ایشان را یارای مقابله با قدرت ایمان نیست.

[وَ سَعي فِي خرابِهَا] کوشش در تخریب مسجد می‌تواند چند معنی داشته باشد؛ یک تخریب بنای مسجد و از بین بردن آن مکان مقدس است، تا اینکه مسلمانان با یکدیگر جمع نشوند و وحدت

---

۱. صفوة التفاسیر، جلد۱، ص۱۵۹،«چنان که مشرکان در روز حدیبه با رسول خداﷺ همین کار را کردند، آنگاه که حضرت ﷺ و همراهانش را از ورود به مکه باز داشتند.» انوارالقرآن، جلد۱، ص۱۴۱

نیابند و دشمنان راحت تر آنان را قلع و قمع کنند!! همانطور که اسرائیل غاصب در غزه چنین کرد.

معنی دیگر می‌تواند مربوط به از بین بردن ارزش و اعتبار آن در جامعه و پایین آوردن تقدس آن باشد، تا اینکه جوانان را خام کنند و نا آگاهان را فریب دهند و از مسجد ـ جایگاه تربیت ـ دور سازند و آنان را به به مقلد و طرفدار خود!! تبدیل کنند؛ و مفهوم آن می‌تواند گسترده‌تر باشد و به معنی از بین بردن و جلوگیری کردن از فعالیت و نقش مسجد در جهت تربیت افراد باشد، آری! مشرکان می‌دانند کسی که در مسجد تربیت و با نیروی ایمان تجهیز شده باشد، سدّی پولادین در برابر حمله‌های آنان خواهد بود، به همین‌خاطر دشمنان اسلام با تبلیغات و فعالیت‌های‌خود می‌خواهند نقش سازندگی مسجد را تخریب کنند و با این کار از تشکیل نیروی ایمان و افرادی متعهد و جامعه ای پویا و متدین جلوگیری کنند و قطعاً این خرابی و تخریب بسیار خطرناک‌تر از تخریب بنای مسجد است، زیرا تخریب یک کشور ـ در صورت وجود افراد لایق و سازنده ـ بعد از مدتی به آبادانی تبدیل می‌شود، اما نبود افراد متعهد و مسؤول و سازنده، کشوری آباد را بعد از مدتی به ویرانه تبدیل خواهد کرد.

آری! دشمنان می‌دانند که نمی‌توانند سپاه ایمان را نابود سازند، به همین خاطر نقشه شیّادانه‌ای طرح کرده‌اند که نگذارند چنین

افرادی ساخته شوند، توطئه کرده‌اند که تربیت اسلامی از بین برود، تا همگان حلقه به گوش آنان باشند، بسیج شده‌اند تا پایگاه دین خدا و مدرسه و آموزشگاه ایمانداران را نابود سازند!

امّا هرگز!

[یُرِیدُونَ أنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللهِ بِأفْوَاهِهِم وَ یَأبَى اللهُ إلاَّ أنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ] توبه/۳۲

«آنان که می‌خواهند نور خدا را با (توطئه‌ها و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند (و از گسترش دین جلوگیری کنند و اسلام را نابود سازند) ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور (دین) خود را به کمال برساند (و حتماً این دین به کمال می‌رسد) هر چند که کافران دوست نداشته باشند.»

بر ما لازم است که مسجد را با حضور خود و عبادت و اعتکاف و ذکر و یاد و نام خداوند آباد کنیم و صفوف نماز جماعت را محکم تر و طولانی‌تر سازیم و اتحاد و برادری را در بین مسلمانان ایجاد کنیم و از تفرقه بپرهیزیم و مسجد را به مکانی تبدیل کنیم که افراد در آن تربیت و ساخته شوند و بارآیند و به افرادی تبدیل شوند که ایمان و خدمت به خلق در وجودشان شعله بزند. آری! بر ما لازم است که مسجد را به مدرسه‌ای تبدیل کنیم که همه در آن آموزش ببینند، چگونه مؤمن باشند، چگونه به مردم خدمت کنند و چگونه در برابر نیرنگهای دشمنان متعصب مقاومت کنند.



زنان و مسجد

در دنیایی زندگی می‌کنیم که سردمداران آن پرچم عدالت را بر بالای چادر خیانت افراشته‌اند؛ دیواری‌از گِل‌رفاه را بر حیاطی ازخارهای بی‌محبتی تنیده‌اند؛ اهداف خود را در بیابان‌هایی از سرمایه و مادیات نهاده‌اند و تنها چیزی که می‌بینند، قدرت و سلطه است و برایشان اهمیتی ندارد، آبِ آن خون و پله‌هایش جسد مظلومان و ضعیفان باشد.

به خاطر فرهنگ ناروا و جاهلانه‌ی جا افتاده در میانمان و کج‌فهمی‌های بوجود آمده در آیین ما، همیشه زن‌ها و دختران با دیده‌ای پایین‌تر و باحقوقی کمتر از مردها نگریسته شده‌اند، حق آنها در هاله‌ای از محبت ایشان نسبت به برادران و پدرانشان دزدیده شده است؛ نظرخواهی و مشورت در امور خانه و خانواده و فعالیت‌های اجتماعی در خورِ شأن آنها همیشه در دریایی از غرور مردانی با بینش و سطحِ فکری پایین غرق و ناپدید گشته است.

عدم توجه به آنها در امور تربیت اجتماعی و فرهنگی که اکثر

مردان در اختیار داشته‌اند، مسبّب همه‌ی آثار زیانباری است که امروز در جامعه می‌بینیم، از عدم شناخت هویّت ملی و مذهبی گرفته تا خودسوزی‌ها و خودکشی‌های آنها برای نارضایتی از وضعشان ...

همانطور که گفته شد سلطه و قدرت به دست کسانی است که بدون پروا به قلّه‌ی کوه‌های سلطه می‌اندیشند و بی‌مهابا به سوی آن می‌تازند؛ و برای افکار کسانی همچون ما که طرفدارحقوق به حق افراد جهان هستیم، تمام قدرت و ثروت خود را به کار می‌برند و از هر سو و با هر لباسی برای نابودی آن می‌کوشند، چون ما مخالف سلطه‌ی ظالمان هستیم، چه در جامعه‌ی کوچکی همچون خانواده و چه در جامعه‌ی جهانی ... .

پس با توکل بر خداوند متعال، زنان جامعه‌ی ما می‌بایست پیش از هر چیز خود را بشناسند و هویّت خود را در میان همه‌ی آینه‌های غبارگرفته‌ی تاریخ باز شناسند و از نو به حقوق خویش آشنا شوند، تا با پایه‌ای محکم از خودشناسی به درجات متعالی انسانیّت و خدا شناسی برسند.

نقش زنان در جامعه

همه می‌دانیم که نیمی ازجمعیت را بانوان تشکیل می‌دهند و جامعه بدون آنها ناکامل و نابود شده خواهد بود، و تأثیر آنها بر

جامعه بسیار زیاد و بسی بیشتر از مردان است، زیرا آنها هستند که با تربیت فرزندان خود جامعه‌ی آینده را می‌سازند.

«زن از نظر اسلام مدرسه‌ای است که از خانه مکانی برای خوشبختی، و آرامش، و از شوهر مرد زندگی، و از فرزندان قهرمان فردا را می‌سازد.»[۱]

و به قول حافظ ابراهیم:

الامُّ مَدْرَسةٌ إذا عَدَدتَها أعْدَدْتَ شَعْباً طَيبَ الأعراق

«مادر مدرسه‌ای است که چون آن را بسازی، ملّتی نیک نژاد ساخته‌ای.»[۲]

حال تصور کنید در جامعه‌ی ما که جامعه‌ای اسلامی است زنان نادیده گرفته شوند و هیچ جایگاهی برایشان قائل نشوند، آنگاه است که جامعه بعد از چند نسل به سوی پرتگاه‌های بی‌دینی سیر می‌کند؛ زیرا وقتی یک زن بدون تربیت دینی باشد نخست با اعمال خود موجبات گناه و دوری از دین را برای مردان[۳] و در درجه‌ی دوم که خیلی مهم‌تر است با عدم تربیت صحیح دینی فرزندان

---

۱. زن مسلمان، مؤلف آمنه سیدالهاشمی، مترجم محمدعلی خالدی، نشراحسان، چاپ اول ۸۳ ، صفحه۷

۲. مسایل زنان بین سنتهای کهن و جدید، مؤلف: محمدغزالی مصری، مترجم: مجیداحمدی، نشر احسان چاپ دوم ۸۱ صفحه ۷۷

۳. البته این بدان معنا نیست که تنها عا مل گمراهی و بی‌دینی زنان هستند بلکه اگر مردان نیز روی از دین برتابند، آنها نیز با اعمال خود اهرمی برای سوق دادن زنان به سوی بی دینی خواهند بود.

خود جامعه‌ای لائیک و دین‌ستیز را خواهند ساخت.

به خاطر همین نقش اثرگذار زنان در جامعه است که در دوره‌ی استعماری جدید و تهاجم فکری غرب و شرق بر کشورهای اسلامی، آماج حملات اساسی آنان بوده‌اند و از هر دری وارد می‌شوند تا زنان را از لحاظ فکری برده‌ی خود سازند تا بتوانند بوسیله‌ی آنان زمام جامعه را در دست گرفته و به قعر درّه‌های دنیاپرستی و شهوت‌رانی ببرند.

«... شیاطین انس در زمینه‌ی زنان فعالیت می‌کنند و می‌خواهند اندیشه و وجدان و اخلاق زن مسلمان را به فساد بکشند؛ لذا بسیار لازم است که زن مسلمان رشد و نمو کند و به اصالت خود بازگردد و به شخصیت اسلامی‌اش افتخار کند و تقلید کورکورانه و تبعیت ذلیلانه از غرب و شرق را رها کند و فقط «الله» را پروردگار، و اسلام را آیین زندگی، و محمد ﷺ را پیامبر خود قرار دهد.»[1]

در این شرایط وظیفه‌ی زنان جامعه‌ی ما چیست؟

با نگاهی به گذشته‌ی پیش از اسلام در می‌یابیم که زنان دوره‌ی جاهلیت از شخصیت اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده وگاه همچون کالایی به فروش می‌رسیدند و خود هیچگاه دارای

---

۱. زنان با ایمان، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم ابراهیم عمری، نشر احسان، چاپ اول ۸۰، صفحه ۷

استقـلال شخصیتی واجتماعی نبوده‌اند.[1]

اما با طلوع خورشید اسلام درجزیره العرب و تابیدن نـور ایمـان در دلهای ساکنان آن، وضعیت بـه طـور شـگفتی تغییرکـرد. سـطح فکری زنان به طرز برق‌آسایی رشد کرد و به وسیله‌ی آن هر کدام از آنها جایگاه ویژه‌ای پیدا کـرد و توانـست بـا تربیـت نفـس خـود و پرورش استعدادها و به کارگیری امکانـات و توانـائی‌هـا، موانـع را یکی پس از دیگری پشت سـر بگـذارد و راه دینـداری را در پـیش گیرد و حتی راه را برای گسترش دین هموار گرداند.

از ابی‌سعید خدری ﷺ روایـت شـده کـه زنـان بـه پیـامبر ﷺ گفتند: «که مردان از ما بیشتر از محضر مبارک شما استفاده می‌کننـد، یک روز را برای ما معیّن کنید که در آن روز به مـا آمـوزش‌دهیـد.» رسـول اکـرم ﷺ روزی را مـشخـص نمـود و زنـان در آن روز جمع‌می‌شدند و پیامبر ﷺ برای آنان سـخنرانی مـی‌کـرد وبـه آنهـا دستورات لازم را می‌داد.»[2]

آری زنان صدر اسلام با اعتماد به نفس قابـل سـتایش خواسـتار این شدند که همانند مردان از سخنان گهربار و ایمـان افــزای نبـی رحمت ﷺ استفاده نمایند تا همـسو بـا آنـان در کـشاکش جامعـه

---

۱. برای اطلاع بیشتربه کتب سیره از جمله خورشید نبـوت نوشـته: صـفی‌الـرحمن مبـارکفوری، ترجمه: دکترمحمد علی لسانی فشارکی، نشر احسان مراجعه فرمایید.

۲. اسلام و بزرگداشت زن، مؤلف محمد بن جمیل زینو، مترجم محمد گل‌گمشادزهی، انتشارات حرمین، سال۸۲، صفحه ۱۲

پیشرفت نمایند و سبب ترقّی اجتماع خویش شوند.

«در عصر پیامبر ﷺ ــ خیر القرون ــ زن از جایگاه ویژه‌ای برخوردارشده بود و دوشادوش مردان به ایفای نقش خویش می‌پرداخت. آری!زنان صدراسلام به بهترین نحو برای همسران خود یار و مددکار بودند و در میدان‌های نبرد بهترین نقش‌ها را ایفا می‌نمودند. آنها برای اعتلای کلمه «الله» و تبلیغ اسلام نیز از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزیدند.»[1]

زنان و دعوت

[كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ] آل‌عمران/ ۱۱۰

«شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها پدیدار شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به خدا ایمان دارید...»

ویژگی بارزی که امت آخرین پیام آور وحی ﷺ را از سایر امّت‌های پیشین متمایز می‌سازد و از صفات برتر و بسیار نیک ایشان است که سازنده‌ی اجتماع و نگهدارنده‌ی راه دین است، ا مر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

---

۱. اسوه‌های راستین برای زن مسلمان، مؤلف احمد الجدع ، مترجم عبدالصمد مرتضوی، نشر احسان، چاپ اول ۸۳، مقدمه مؤلف

[وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ] فصلت/۳۳

«گفتار چه کسی بهتر از گفتار کسی است که مردمان را بسوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته می‌کند و اعلام می‌دارد که من از زمره‌ی مسلمانان هستم؟»

براستی کیست که بگوید و بپندارد این آیه مخصوص مردان است، چرا که این سخن خداوند متعال هیچ خصوصی در آن نهاده نشده است و هرگز زنان از این دسته جدا نگردیده‌اند.

[وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ] توبه/۷۱

«مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان که باید می‌گذارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. (این وعده‌ی خدا است وخداوند به گزاف وعده نمی‌دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و کار بجا است.»

در این آیه بوضوح می‌بینیم که در این امر مهم، جایگاه ویژه‌ای هم دوش با مردان، برای زنان قرارداده شده است تا آنها نیز

سازنده‌ی جامعه‌ی خویش باشند.

با توجه به خصوصیات فیزیولوژیکی و روحـی مخصوص زنان، درک واقعیت و ماهیت روحـی و روانـــی و فهمیـدن مـشـکلات و مسایل مربوط به آنان، تنها برای فردی از جنس خودشان به صورت کامل میسّر است؛ حال با ایـن وضعیت آیا صحیح‌تـر و بـه کمـــال نزدیک‌تر آن نیست کـه زنـان نیـز در عرصـه‌ی دعــوت و تــبلیغ حضورداشته باشند و آنان نیز گام در اعتلای دین خـویش بنهنـد و بتوانند غم‌خوار و دلسوز هم نوعان خـویش باشـند و بـا اخلاصـی زیبا و روشی صحیح آنان را به راه راست راهنمایی کنند.

«زن در عرصه‌ی طاعات و عبادات و پرداختن به عمل صـالح و دعوت مردم به سوی این موارد، نقش مثبـت و ارزنـده‌ای دارد کـه می‌تواند به آن رو آورد.»[1]

«در صدر اسلام همان موقعی که پیامبراسلام ﷺ رسالت خویش را ابـلاغ می‌نمودند و مردم را به راه راست دعوت مـی‌کردنـد درآن لحظات اولـین فـردی که بـا دلی از یــقین اســـلام را پـذیرفـــت خدیجه دختر خوَیلد بود و نیـز بعـدها اولـین شخـصی کـه در راه

---

۱. بانوان درعرصه ی دعوت وتبلیغ،مؤلف دکترتوفیق یوسف الـواعی، متـرجم نـرگس پـــزوازی ایزدی، نشراحسان ، چاپ اول۸۱ ، صفحه۷۰

۲. زنان نامدار اسلام، مؤلف علی صالح کریم، مترجم حمید مستعان، انتشارات کردستـان، چـاپ اول ۸۰، پشت جلد

اسلام مقام شهادت نائل شد، سمیه مادر عمار بود».

نمونه‌ی بارز چنین زنانی مادرمان عائشه رضی الله عنها می‌باشد که دانش و آگاهی ایشان زبانزد خاص و عام بود و حتی او را ادیبی نازک سخن و طبیبی حاذق و ماهر معرفی کرده‌اند.

ابوموسی اشعری رضی الله عنه می‌گوید: «هرگز دیده نمی‌شد حدیثی برای ما اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم مشکل شود و دشوار بیاید و آن را ازعایشه رضی الله عنها سؤال کنیم، مگر پاسخ آن را نزد وی می‌یافتیم.»

می‌بینیم اصحابی که ستاره‌های پر نور هدایت هستند، در صورت پیداکردن یک مشکل در امور دین به یک زن مراجعه می‌کنند. این است جایگاه اصلی زن، این است یک زن عالم وآگاه و این است سازنده‌ی خانواده و جامعه‌ی خویش . . .

داستان تنها، به خدیجه رضی الله عنها و عایشه رضی الله عنها و سمیه رضی الله عنها ختم نمی‌شود؛ بلکه اکثر زنان صحابه دارای چنین خصوصیاتی بودند این شیرزنان نه این که دنیا را رها کنند و به گوشه‌گیری و خانه‌نشینی بپردازند، بلکه با شیوه‌ای درست دنیا را در خدمت دین قرارداده و از تمام لذت‌های صحیح آن لذت می‌بردند.

این‌گونه بود که با طلوع خورشید اسلام و افوال جهل ونادانی زن توانست نسبت به استعدادها و توانایی‌هایش آگاهی یابد و با رعایت موازین اخلاقی و اجتماعی پله‌های رشد و ترقّی در دین و دنیا را یکی پس از دیگری طی کند و به جایگاه انسانی خویش برسد.

زن و مسجد

مسجد بهترین مرکز دینداری و سنگر پایداری و پایگاه دعوت و تبلیغ می‌باشد و بهترین نقش را در تربیت فرد، خانواده و در نتیجه جامعه دارد.

اما آیا زنان نیز در آمدن به مسجد آزادند و شریعت الهی محدودیتی را برای آنها قرار نداده است؟

براستی اگر آنها از آمدن به مسجد منع شوند، پس چگونه به موازین دین الهی و به حلال و حرام و روش صحیح زندگی دینی آشنا شوند؟

اگر مسجد خانه‌ی خدا در روی زمین است، چرا زنان از نزول الطاف بیکران الهی و وفور نعمت و مغفرت در آن بهره نبرند؟

براستی که مسجد جایگاهی نیکو برای زنان می‌باشد، آنجاست که ایشان نیز می‌توانند با شعایر، فرایض ونواهی الهی آشنا شوند و به نیکوترین روش، زندگی را اداره کنند.

مگر نه اینست که مسجد می‌تواند جایگاه اقامه‌ی نماز، تلاوت قرآن، استماع سخنرانی و خطابه، پاسخ گویی به سؤالات فقهی در مورد زنان و بحث و گفتگو در مورد راه‌های مقابله با افکار مهاجم و نقاب به چهره‌ی غرب باشد.

«از زمان افتتاح مسجد نبوی پس از هجرت تا هنگامی که پیامبرﷺ به ملکوت اعلی پیوست، زنان پیوسته در آن مسجد نماز

می‌گزاردند و دروازه‌ای که به آنان اختصاص یافته بود هیچگاه بسته نمی‌شد. آنچه در عهد رسول الله ﷺ بود در دوران خلافت راشده نیز ادامه یافت و مسجد نبوی همواره از حضور زنان آباد بود، همچنین عمر بن خطاب و علی بن ابیطالب رضی الله عنهما هرکدام برای زنان در انتهای مسجد امامی جداگانه تعیین کردند.»[۱]

آری زنان صدر اسلام در مسجد نبوی تربیت یافته بودند که توانستند چنین ملتی را بسازند.

پس دور بودن زنان از مسجد ـ همانطور که در جامعه‌ی ما اتفاق افتاده است ـ برابر است با دوربودن آنها از سرچشمه‌ی معرفت و معارف کار ساز و عملی که در این صورت آثار ناگواری را در پس خواهد داشت؛ از جمله: عدم درک شخصیت دینی و شناخت مبانی فکری اسلام و ناتوانی و تسلیم شدن در مبارزه با افکارضد دین و لائیک و دور شدن هرچه بیشتر زنان و مردان از لحاظ تفکّرات، تعقّلات، توقعات، نیازها و ایجاد شکافی عمیق ما بین آنها در جامعه. «آمدن زن به مسجد نوعی غذای روحی و عقلی برای زن است و او را در برابر غذاهای فاسد و مسموم یعنی انحرافات بیرون از مسجد، محکم و مقاوم می‌سازد. ارشادات صالحانه و دعوت به خیر در مسجد نیز سپری در مقابل دعوت‌کنندگان به شر و فساد در

---

۱. مسایل زنان بین سنتهای کهن وجدید، مؤلف: محمد غزالی، مترجم مجید احمدی، نشراحسان، چاپ دوم ۸۱، صفحه ۲۲۶

عالم خارج است. گذراندن لحظاتی در فضای پاک و فاضل و معنوی مسجد نیز می‌تواند تأثیرات مثبتی در مقابل جو مسموم و آشفته‌ی خارج از مسجد بگذارد. همچنین آشنایی و برخورد با زن مسلمان و پرهیزگار در مساجد، می‌تواند ضربه‌ی منفی بر تأثیرپذیری از زنان بی‌حجاب و ناآگاه و غرب‌زده‌ی بیرون از مسجد داشته باشد».[۱]

به همین خاطراست که رسول الله ﷺ فرمودند:

[لا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ مِنَ الخُرُوجِ بِاللَّيْلِ إلَى المساجِدِ] بخاری و مسلم

«زنانتان را از رفتن در شب به مساجد منع نکنید.»[۲]

پس می‌بینیم برخلاف پندار و برداشت بعضی افراد که ورود زنان به مسجد را سبب ایجاد فتنه و فساد می‌دانند در زمان رسول خدا ﷺ و هنگامی‌که اسلام بر قله‌ی اقتدار قرار داشت، زنان نیز در صحنه و جامعه و مسجد حضور داشتند، اما اکنون ...

آیا این توهین و بدبینی به سرشت پاک زنان ونادیده گرفتن تقوا و اخلاص آنها نیست؟

راستی اگر زنان نباید به مسجد بیایند چرا پیامبررحمت ﷺ همیشه می‌فرمودند:

[خَيرُ صُفُوفِ الرِّجالِ أوَّلَها وشَرُّها آخَرُها وَ خيرُ صُفُوفِ النِّساءِ

---

۱. مسجدسازی از دیدگاه اسلام، مولف: استاد قرضاوی، مترجم: فاروق نعمتی، ص ۷۰ و ۷۱

۲. به نقل از کتاب زن درمیان شفافیت شریعت الهی وتیرگی غرب.

آخِرُها و شَرُّها أوَّلَها][1]

«بهترین صف برای مردان اولین صف است و بدترین آن آخرین صف است و بهترین صف برای زنان صف آخر و بدترین آن صف اول است.»

به وضوح می‌بینیم که حتی هنگامی که مسجد تنها دارای یک اتاق بود، زنان و مردان با رعایت کامل موازین شرعی برای ادای نماز جماعت وبهره گیری ازعلوم دینی و دنیوی در آن شرکت می‌جستند.

به نظرشما چرا مردی که به مسجد می‌رود نباید همسر خویش را با خود ببرد؟

مگر خداوند متعال تذکّر نداده است که همسر و فرزندان خود را به سوی راه راست راهنمایی کنیم؟

[يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا ...] تحریم/٦

«ای مؤمنان خود و خانواده‌ی خویش را از آتش جهنم برکنار دارید..»

شاید می‌خواهید با حبس‌کردن زن در خانه او را از آتش جهنم دور سازید؟

اصلاً چرا بعضی از مساجد مکانی را برای عبادت زنان در نظر نگرفته‌اند؟

درحدیث صحیح آمده است که حضرت عائشه ﵂ فرمود:

---

۱. ۱۵۰۰ حدیث از احادیث برگزیده نبوی، مؤلف: احمد الهاشمی، مترجم: صابر حسینی، انتشارات کردستان، چاپ سوم ۸۵، ص ۳۴

«رسول الله ﷺ نماز صبح را می‌خواندند آنگاه زن‌ها از مسجد به طرف خانه بر می‌گشتند، در حالی که لباس ابریشمی خود را بر تن پیچیده و از شدت تاریکی شناسایی نمی‌شدند.»[۱] مسلم و بخاری

آری حتّی در نماز صبح، حتی در تاریکی و ...

«در صورت برشمردن این نوع از احادیث رسول الله ﷺ می‌توان از این اطمینان حاصل کرد که برخلاف تصوّر بعضی‌ها، در زمان رسول خدا ﷺ مساجد تنها به مردان اختصاص نداشته؛ بلکه سازمانی بوده که مردان و زنان در آن شریک همدیگر بوده‌اند و همانگونه که آکنده از صفوف مردان بوده، از صفوف زنان نیز پُر بوده است.»[۲]

استاد عبدالحلیم ابوشقّه می‌فرماید: «مسجد به عنوان اولین پایگاه فرد مسلمان در جامعه، مرکزی جهت عبادت، علم آموزی و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی محسوب می‌گردد و همچنین در مواقع نیاز، مکانی برای اجتماعات عمومی و فعالیت‌های ورزشی است. همه‌ی این عوامل به زنان در عصر نبوی این مجال را می‌داد که تا حد امکان در مسجد حضور پیدا کنند و مستقیماً در جریان زندگی عامه‌ی مسلمانان قرار گیرند. آنها علاوه بر مشارکت در

---

۱. به نقل از کتاب زن در میان شفافیت شریعت اسلام و تیرگی غرب، مؤلف: دکتر رمضان بوطی، مترجم: فرید قادری، انتشارات کردستان ، چاپ اول ۸۲ ، صفحه ۷۴

۲. همان منبع ، صفحه ۷۵

عبادت و شنیدن قرآن در حین اقامه‌ی نماز، می‌توانستند به فراگیری علم و سخنرانی‌های تربیتی در مسجد نیز، گوش فرا دهند و تا حدودی از اخبار اجتماعی و سیاسی مسلمین آگاهی یابند، از همه مهمتر این که زن مسلمان می‌توانست با خواهران دینی خود آشنا شود و این امر موجب تحکیم مودت و دوستی میان آنان می‌باشد. پس مسجد در زمان رسول اکرم ﷺ مرکزی عبادی و فرهنگی و اجتماعی برای مردان و زنان، به طور یکسان بود. به این دلیل برای کسی جایز نیست که به ادعای افضلیت خواندن نماز زنان در خانه، آنها را مجبور به اقامه نماز در خانه کند و حق مشروع آنان را در آمدن به مساجد، از ایشان سلب نماید.»[1]

پس با بررسی احادیث و روایات مختلف دریافتیم که باید زنان نیز با رعایت صحیح موازین اسلامی و تنها با هدفی زیبا و اخلاصی پویا به خاطر رضای پروردگار خویش همانند مردان در مساجد حضور یابند و از هر آنچه که خیر و نیکی در آن است بهره جویند تا با توکل بر خداوند متعال و تکیه بر آن بتوانند به تربیت نفس و سازندگی روان خود بپردازند وبا ذهنی بازتر و آگاه‌تر خانه‌ی خویش را فضایی دلنشین و هوایی بهشتی بخشند و بیش از پیش در کنار همسر و فرزندانش در راه خدای خویش تلاش کنند و روز به روز به الله تعالی نزدیک‌تر شوند.

---

۱. مسجدسازی از دیدگاه اسلام، مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی، مترجم: فاروق نعمتی، ص ۶۰



مسجد و تربیت فرزندان

دنیای امروز را به خاطر وجود امکانات و وسائلی فرامنطقه‌ای باید بدون مرزهای جغرافیایی در نظر گرفت، زیرا فناوری ارتباطات و اطلاع‌رسانی مرزها را در نوردیده است، تا جایی که حتی گاهی حاکمیت دولت‌ها را زیر سؤال می‌برد!

این فناوری گرچه فواید بسیاری در پی دارد، امّا قدرت‌های امروز آن را به وسیله‌ای برای القای افکار و نظرات خود بر سایر ملت‌ها تبدیل کرده‌اند، با نقاب‌هایی به نام دموکراسی و جهانی‌شدن[1]، فرهنگ و اصالت اقوام مختلف را به تمسخر گرفته کم رنگ جلوه می‌هند.

نقشه‌های شوم آنها طوری برنامه‌ریزی شده که قشرهای کم سن و سال و کم تجربه ـ کودکان و نوجوانان ـ را هدف قرار داده است و بدین شکل می‌خواهند جوانانی بی‌هویّت و آینده‌سازانی بدون پشتوانه را بار آورند!

---

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب «جهانی‌شدن و آینده‌ی جهان اسلام» نوشته: رامز طنبور و فتحی یکن، ترجمه: مولود مصطفایی مراجعه کنید.

آری آنها می‌خواهند با چنین نقشه‌ی شیادانه‌ای آینده‌ی ملت‌ها و دولت‌ها را به دست گیرند تا بسی آسان‌تر آنها را بلعیده و مطیع و فرمانبردار خویش سازند و به استعمارشان در آورند!

افراد ساده‌دل نیز بدون توجه به چنین حمله‌های ناجوانمردانه‌ای، آن را جزئی از پیشرفت و جهانی شدن می‌دانند!! باید برای این بی‌تفاوتی خود را سرزنش کنیم و برای مقابله با چنین وضعی، فکری بیندیشیم.

وظیفه‌ی ما تربیت کودکان و فرزندان‌مان است، آشنا کردن آنان با قومیت و فرهنگی که خداوند متعال آن را برایشان مقدر ساخته است:

[يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا] حجرات/۱۳

«ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید ...»

تا بدینوسیله به درجه‌ای از اصالت شخصیتی و شناخت از خویش برسند.

و سپس آنان را به گونه‌ای تربیت کنیم که بتوانند دین خویش را از منبعی پاک بیاموزند و آن را از آماج حملات و شبیخون‌های دشمنان گرگ صفتی که بعضی اوقات لباس میش بر تن دارند، مصون نگاه دارند و الله را هدف خویش نمایند و با روشی صحیح

و نیتی پاک به جامعه‌ی خویش خدمت کنند و راه‌های پیشرفت آن را همواره نمایند.

تربیت از کودکی

خداوند متعال همه‌ی بندگان خویش را از یک خمیرمایه آفریده است و همه‌ی آنان را بر روش و فطرتی خداپرستانه خلق کرده است و روح آنها را نیز بر این امر شاهد قرار داده است:

[وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ] اعراف/۱۷۲

«(ای پیامبر! برای مردمان بیان کن) هنگامی را که پروردگارت فرزندان آدم را از پشت آدمیزادگان پدیدار کرد و ایشان را برخودشان گواه گرفته است که آیا من پروردگار شما نیستم؟ آنان گفته‌اند: آری! گواهی می‌دهیم (تویی خالق باری).»

و هرکس که وارد جهان هستی می‌شود دارای فطرتی پاک و خداگرایانه می‌باشد، همان طور که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

[كُلُّ مَولُودٍ يُولَدُ عَلى الْفِطْرَةِ، فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ][1] بخاری

---

۱. به نقل از کتاب تربیت فرزندان در پرتو شریعت، مؤلف: سبحان محمود، مترجم: أفضل ده‌مردنژاد، انتشارات احمد جام، چاپ اول ۸۳، صفحه ۶۰

«هرکودکی که به دنیا می‌آید، بر فطرت پاک اسلام است، این والدینش هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی تربیت می‌کنند.»

این حدیث نشانگر این است که ادامه دادن راه فطرت نیازمند تربیت و پرورش است. اسلام دینی پاک و کامل است و برای هر موضوعی، راهکار و برنامه‌ای سازنده و صحیح دارد. از این رو به تربیت فرزندان ـ که امری بسیار مهم می‌باشد ـ اهمیت ویژه‌ای داده است تا جایی که هیچ مکتب و فکری این چنین برنامه‌ای را در اختیار بشر نگذاشته است.

زیرا کودکانند که جامعه‌ی فردا را می‌سازند، کودکانند که پرچم دین را بدست خواهند گرفت و کودکانند که بعد از ما، دعوت را بانگ می‌دهند.

جای شکی نیست که هدایت در دست «رب العالمین» است، اما این جهان دارای برنامه، روش و راهکار است. خداوند این جهان را، جهان اختیار قرار داده است.

«هدایت گرچه در اختیار خداست و اوست که گرداننده‌ی دل‌ها می‌باشد، اما به هر حال این جهان دارای اسباب است، زیرا خداوند متعال هر چیزی را با سببی وابسته کرده و برای هر علتی، معلولی قرار داده است.»[1] که به گوشه‌ی کوچکی از این برنامه‌ها اشاره می‌کنیم.[1]

---

۱. تربیت و اصلاح فرزندان، مؤلف: محمدقاسم قاسمی، نشر صدیقی زاهدان، چاپ سوم ۸۵، ص ۱۳

۱. برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌های تربیتی از جمله: «تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر ﷺ» تألیف: محمدنور سوید مراجعه فرمایید.

۱ـ تربیت نفس، خودسازی و تزکیه‌ی نفس.

[يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ] تحریم/٦

«ای کسانی که ایمان آوریده‌اید، خودتان را برحذر دارید.»

گام اول در تربیت فرزندان، تربیت و تکامل نفس خویش از لحاظ عقیده، عمل و اخلاق است؛ «والدین برای بازسازی کودکان و تحویل نسلی سالم به اجتماع، نیاز دارند که نخست خود را بسازند، روابط خود را بر اساس ضوابط اصیل و استوارتری قرار دهند ... قول و عمل خود را تحت ضابطه و نظمی در آورند، روش زندگی خود را بر اساس هدف استوارتری قرار دهند.»[1]

۲ـ دُعا برای داشتن همسر و فرزندانی متدیّن و متقی.

[وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا] فرقان/٧٤

۳ـ انتخاب همسری متدیّن و خوش‌رفتار برای فراهم کردن مادری نیک‌روش برای تربیت فرزندانمان.

٤ـ دعا برای دور کردن شیطان از فرزندان هنگام نزدیکی با همسر:

[اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشيطانَ مَا رَزَقْتَنَا][2]

---

۱. تربیت و بازسازی کودکان، مؤلف: علی قائمی، انتشارات امیری، چاپ سوم ۸۳، ص ۱۳۴

۲. بخاری ۴۷۶۷، مسلم ۲۵۹۱ به نقل از کتاب تربیت و اصلاح فرزندان، محمدقاسم قاسمی، چاپ سوم ۸۵، ص ۱۳

۵ـ اذان گفتن به گوش فرزند تا کلمه‌ی جلاله‌ی «الله» اولین کلمه‌ای باشد که فرزند می‌شنود، همان طور که پیامبر ﷺ به گوش حسن و حسین علیهم‌السلام اذان گفت و...

بحث در مورد تربیت فرزندان موضوعی ژرف و عمیق است که نیازمند وقتی طولانی است، ما نیز در اینجا چنین هدفی نداریم، می‌خواهیم بیان کنیم که پدر و مادر چگونه بر فرزندان‌شان تأثیر گذارند و این که راهی را نشان دهیم که بتوان این تأثیر را در مسیری صحیح که همانا مسیر دینداری و دین‌پروری فرزندان است، مدیریت نمود.

همانطور که گفته شد کودکان بر فطرت خداپرستانه هستند، اما این فطرت نیازمند تربیت و پرورش است؛ می‌بایست والدین فرزندان خویش را در این راه راهنما باشند و این فطرت را بر انگیزند و آن را برجسته نمایند و این استعدادها را شکوفا کنند، و در این راه از هیچ کوششی دریغ ننمایند، و این تربیت باید از ابتدای زندگی کودک شروع شود، زیرا کودکی پایه‌گذار شخصیت بزرگسالی خواهد شد.

روح و نفس کودکان در ابتدا مانند نوار خام می‌باشد و همیشه در حال دریافت و درک مسائل و امورات اطراف خویش است و از هر اتفاقی تأثیر می‌پذیرد.[۱] و کم‌کم این تأثیرات باعث شکل‌گیری

---

۱. دانستن این مطلب، مسئله‌ای مهم در تربیت کودک است.

عادات و زمینه‌سازی بستر تعقلات او خواهد شد. ذهن کودک مانند گیرنده‌ای قوی است که هر چیزی را از محیط اطرافش دریافت می‌نماید و حتی سعی می‌کند دانسته‌هایش را به شیوه‌ای عملی سازد و بر اساس تعقلات و ذهنیاتش رفتار می‌نماید و همان طور که جسمش در حال رشد، تغییر و تحول است، روحیه و نفس او نیز در حال رشد و تغییر است.

«کودکان بسیار تأثیرپذیر، جستجوگر و شیفته‌ی آموختن هستند و با گیرنده‌های نیرومندشان اندیشه، احساسات و عقاید والدینشان را نسبت به خود جذب می‌کنند. بر این اساس اظهارنظرها و القائات مثبت و منفی والدین و سایر اطرافیان نسبت به بچه‌ها در کامپیوتر ذهنشان برنامه‌نویسی شده و میزان بهره‌گیری از قابلیت‌هایشان را در بزرگسالی تعیین می‌کند.»[1]

«دوران کودکی مهم‌ترین بخش زندگی است‌که پایه‌گذار شخصیت بزرگسالی می‌باشد، هر چه سن کودک پایین‌تر باشد، نقش‌پذیری بیشتر است، بنابراین سال‌های اولیه زندگی مهم‌ترین بخش تربیت می‌باشد، کودک این دوران زندگی خود را در خانواده به سر می‌برد و از این جهت خانواده بیشترین تأثیرات را در تربیت

---

۱. والدین مؤثر، فرزندان موفق، مؤلف: رضا آل‌یاسین، انتشارات هامون، چاپ اول ۸۳، ص ۲۰

کودک دارد.»[۱]

والدین نقش بسزایی در تربیت و پرورش استعدادهای کودکان و پیشبرد آنها در مسیری صحیح و در راستای فطرت دارند و می‌توان گفت که والدین اولین و مهم‌ترین تأثیرگذاران بر کودک خویش و سازنده‌ی زیر بنای شخصیتی و فکری آنان می‌باشند.

و اگر والدین به تربیت و پرورش فرزندان‌شان اهمیت ندهند، با توجه به شرایط موجود در جامعه و تبلیغات همه جانبه به سوی دین‌گریزی، فرزندان ما و خود بخود جامعه به سوی بی‌دینی سیر خواهد کرد.

«تربیت و پرورش فرزندان از سوی پدر و مادر سودی نخواهد داشت که اگر پدر و مادر، یا یکی از آنها در به جا آوردن و ادا کردن حقوق فرزندان‌شان کوتاهی و کم توجهی کنند ... به همین خاطر اسلام والدین و سرپرستان کودکان را به نیک رفتاری و تربیت آنها تشویق و ترغیب می‌نماید.»[۲] «ابوالعلاء معری می‌گوید:

وَ يُنشَأُ ناشِيءَ الفتيانِ — مِنَّا عَلَى ما كانَ عَوَّدَهُ أبوهُ
وَ مَا دانَ الفَتَي بِحِجِّي وَ لكِن — يُعَوِّدُهُ اللهُ يَوَّنَ اقربُوهُ

---

۱. روان‌شناسی پرورش و تربیت کودک، مؤلف: محسن احمدی، انتشارات حسین فهمیده، چاپ اول ۸۳، ص۱۳

۲. پەروەردەی منداڵ و هەرزەکاران، مؤلف: محمدشریف الصواف، مترجم: نەوا محمد سعید، نشر التفسیر ۲۰۰۴، ص۲۷ اصل این کتاب به زبان عربی و ترجمه‌ی آن به زبان کُردی است. و این بخش توسط نویسنده ترجمه شده است.

کودکان و نوجوانان ما بر اساس آنچه که پدر و مادرشان عادت داده و تربیت نموده‌اند، رشد و پرورش می‌یابند. کودک به وسیله‌ی عقل و زیرکی، دیندار و مسلمان نمی‌گردد، بلکه این نزدیکان و خویشاوندانش هستند که او را متدیّن می‌سازند.»[۱]

«اصلاح محیط خانواده، تصحیح اخلاق و رفتار پدر و مادر، تغییری شایسته در روح اهل خانه خواهد داد؛ و فضای خانه را مناسب آن خواهد کرد که فرزندان، با سهولت به سوی خیر بگرایند و کمالْ‌طلب شوند؛ و آسان، همپایی نیکان و پاکان‌کنند و به‌آنچه انتظار می‌رود خود را برسانند.»[۲]

کودکان و شرکت در مساجد

یکی از ابزارهای مهم تربیتی برای تربیت فرزندی اجتماعی و دارای اعتماد به نفس، شرکت دادن او در جمع، و فعالیت‌های گروهی می‌باشد. اگر کودک از همان ابتدا وارد جمع شود، در آینده شاهد رُشد چشمگیر روحی و تقویت اعتماد به نفس و همچنین اجتماعی بودن او خواهیم بود. «از طُرُق مهم و مؤثر در امر بازسازی کودکان شرکت دادن آنها در زندگی جمعی، گردش‌های خانوادگی

---

۱. به نقل از کتاب تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر ﷺ، مؤلف: محمدنور سوید، مترجم: محمدصالح سعیدی، چاپ دوم ۸۶، ص ۴۵

۲. گامی در مسیر تربیت اسلامی، کودکی تا بلوغ، مؤلف: رجبعلی مظلومی، نشر آفاق، چاپ اول ۵۸، ص ۱۴۳

و فعالیت‌های گروهی است.»[۱]

اما والدین باید مواظب باشند که هر جمع و گروهی نمی‌تواند تأثیر مثبت بگذارد، به همین خاطر انتخاب جمع و اجتماعات مفید و تأثیرگذار بر کودک بر عهده‌ی پدر و مادر است، چه بسا جمع‌ها و گروه‌هایی وجود دارند که تأثیر منفی، مخرب و ناامید کننده‌ای بر فرزندان می‌گذارند.

دکتر عبدالکریم سروش می‌گوید: «در مسئله‌ی تربیت اخلاقی، معاشرت بسیار مهم است. فرزندان را حتماً با کسانی معاشر کنید که سعادت نفس در آنها هست، نیکی و بدی، کینه و پاکی و از این قبیل، از راه مخفی از سینه‌ها به سینه‌ها منتقل می‌شود، دوست با دوست، ممکن است خودشان نفهمند و متوجه نباشند، ولی مانند این است که یک انسان پاک یک میدان مغناطیسی دارد و پاکی‌اش را به طور مغناطیسی به دیگری منتقل می‌کند.»[۲]

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایتی از ابوسعید خُدری می‌فرماید:

[إذَا رَأَيْتُم الرَّجُلَ يُعْتَادُ الْمسَاجِدَ فَاشْهَدُ لَهُ بالإيمانِ]

«هرگاه مردی را دیدید که در مساجد رفت و آمد دارد به ایمان و باور دینی او گواهی دهید.»

حال اگر ما می‌خواهیم که فرزندانمان مؤمن بار بیایند و گرفتار

---

۱. تربیت و بازسازی کودکان، مؤلف: علی قائمی، انتشارات امیری، چاپ سوم ۸۳، ص۱۳۴

۲. به نقل از کتاب «تربیت و اصلاح فرزندان» مؤلف: محمدقاسم قاسمی، انتشارات صدیقی، چاپ سوم ۸۵، ص ۸۰

تله‌های دشمنان بی‌دین نشوند، لازم است آنها را با افرادی رفت و آمد دهیم که به ایمان و باور آنها آگاهیم، و به مکانی راهنمایی کنیم که سرچشمه‌ی معارف دین باشد تا کامل آنها را بفهمند و شخصیت آنها به مکان و افراد آن خو بگیرد.

همانطور که مشخص است چنین مکانی مسجد و چنین افرادی، افراد مساجد هستند. پس مسئولیت والدین تربیت صحیح فرزندان و آشنا کردن آنان با مفاهیم قرآن و روش صحیح دین و زندگی است و مسجد تنها جایگاهی است که همیشه چراغ توحید و عمل در آن می‌درخشد و افرادی که در آن حضور دارند افرادی باایمان و صاحب عمل هستند، اگر فرزندانمان را از همان کودکی به مساجد ببریم و آنها را نیز در این مکان مقدس و این عبادت جمعی شرکت دهیم، علاوه بر تأثیر شگرفی که بر روی آنها دارد، باعث میشود که کودک آداب و دستورات نماز و سایر امورات دین را یاد بگیرد و با آن آشنا شود. حضور او در سنّ کودکی در مسجد سبب می‌گردد که این عمل ـ رفتن به مسجد و یادگیری معارف دینی ـ در ذهن او نقش ببندد و این عمل بصورت رفتاری مستمر ظاهر گردد، زیرا همانطور که گفته شد تربیت از همان کودکی شروع می‌گردد و اعمال و تعقلات از تربیت کودکی سرچشمه می‌گیرد. «اولیا و مربیان باید دانش‌آموزان را تشویق کنند که نماز را در مسجد بخوانند تا در دوران بزرگسالی به آن عادت کنند و رفتن به مسجد

برایشان آسان شود.»[1]

البته این در صورتی است که پدر و مادر در این راه در کنار او باشند و او را تنها نگذارند و با حضور خودشان در مساجد هم بر کودکشان تأثیر گذارند و هم سبب ترغیب او شوند. چون اگر پدر و مادر خود در این زمینه کوتاهی کنند و در مسجد حضور نداشته باشند، فرزند نیز دیگر انگیزه‌ای برای حضور در مساجد نخواهد داشت. پس حضور والدین نیز به همراه فرزندان در مساجد لازم و ضروری است.

پس بر پدر و مادر لازم است که فرزندان‌شان را با خود به مساجد ببرند، تا حضور در مساجد در ذهن آنها نقش ببندد و بصورت رفتاری همیشگی در آید.

در مورد تربیت کودکان و بردن آنها به مسجد تفاوتی بین دختر و پسر وجود ندارد و همان طور که پسران می‌توانند در مساجد برای نمازجماعت و فراگیری قرآن و مفاهیم دینی شرکت کنند، دختران نیز می‌توانند از ابتدای کودکی مانند پسران و با افزایش سن با رعایت موازینی صحیح، در مساجد حضور یابند و می‌توانند زیر بنای فکری خویش را پایه‌ریزی نمایند.

«پیامبر ﷺ بر حاضرشدن کودکان همراه بزرگترشان برای نماز

---

۱. راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران، مؤلف: محمد بن جمیل زینو، مترجم: عبدالله عبدللهی، نشر احسان، چاپ اول ۸۶، ص ۹۳

جماعت در مسجد بسیار تأکید کرده است، تا طرز نماز خواندن و دستورات آن را فراگیرند.»[۱]

«اندیشه‌ی پیونددادن کودکان به مسجد، اندیشه‌ای است که برای نجات آنان از مفسده و تباهی بسیار مفید و کم نظیر می‌باشد، باید پدر و مادران به چنین کاری اهتمام ورزند و توجه کامل به آن کنند، به گونه‌ای که از روی رغبت و محبت و شجاعت و بلندنظری، بدون تصور هیچ‌گونه نفرت و احساس تقبیح و تحقیر، کودکان خود را به مساجد بفرستند تا به تعلیم و تربیت مسائل دینی و اخلاقی و انسان‌سازی بپردازند.»[۲]

«بنابر رهنمودهای نبوی، بر تو ای مربی عزیز (و پدران و مادران) لازم است که آستین همّت را بالا زنی و عزم را جزم نمایی که فرزندانت را با مسجد مأنوس سازی تا روح خویش را در این منزل مبارک الهی به شایستگی تربیت نمایند، سطح عقل و اندیشه‌ی خود را بالا برند، نفس خود را تهذیب کنند و با سایر فرزندان جامعه‌ی اسلامی وحدت و یکپارچگی موعود را تحقق بخشند. زمانی که موفق به اجرای این امر در رابطه با عزیزان خود شدید و نسبت به ارتباط دائمی آنان با مساجد کوشا بودید به غایت مورد

---

۱. په‌روه‌رده‌ی مندال و هه‌رزه‌کاران، مؤلف: محمدشریف الصواف، مترجم: نه‌وا محمد سعید، نشر التفسیر ۲۰۰۴، ص۵۷

۲. تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر ﷺ، مؤلف: محمد نور سوید، مترجم: محمدصالح سعیدی، چاپ دوم ۸۶، ص۲۷۵

نظر از جهت تکوین روحی و ایمانی و اخلاقی آنان دست یافته‌اید و آنان از جهت هدایت و بودن بر راه راست از جمله‌ی افراد خواهند بود.»[۱]

اما متأسفانه برخی از افرادی که در مساجد حضور دارند، با آمدن کودکان به این مکان مخالف هستند و مدام آنها را از این کار باز می‌دارند و با رفتار خویش کودکان را از آمدن به مساجد پشیمان می‌کنند.

«متأسفانه بسیاری از بزرگان و افراد مسنّ را می‌بینیم که از رفتن کودکان به مساجد نفرت دارند و به وسیله‌ی داد کشیدن بر سر کودکان و طرد نمودنشان از مساجد موجب می‌شوند که بسیاری از آنان از رفتن به مساجد تنفّر پیدا کنند و در نتیجه به انحراف و تباهی کشیده می‌شوند. براستی این یکی از مصائب دردناک امّت اسلامی می‌باشد.»[۲]

من به این بزرگواران می‌گویم که این کار آنها مخالف سنّت مطهر نبوی است، براستی اگر کودکان به مساجد نیایند و در آنجا تربیت نشوند، چگونه در آینده به افرادی دیندار تبدیل شوند؟ اگر کودکی تربیت نشود و به مسجد نیاید، با توجه به این همه تبلیغات

---

۱. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، مؤلف: عبدالله ناصح علوان، مترجم: عبدالله احمدی، ص۲۷۹

۲. همان منبع، ص ۲۷۷

ضدّ دین چگونه او .... ؟

ما در روایات دیده‌ایم هنگامی که پیامبر رحمت ﷺ در مسجد ـ در نماز جماعت ـ به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام بر دوش ایشان قرار می‌گرفتند و پیامبر ﷺ نیز هیچ گونه مخالفتی با حضور ایشان در مسجد نمی‌کرد.

من از تمام افراد مساجد استدعا دارم که کودکان را در مساجد بپذیرند و دست نوازش بر سر آنها بکشند و بر حضورشان در مسجد آنها را ترغیب و تشویق نمایند و زمینه را هر چه بیشتر برای حضور آنان در مساجد فراهم کنند.

سخن آخر

نبی رحمت و الگوی هدایت و خورشید نبوت ﷺ می‌فرماید:

[ألا كُلُّكُم راعٍ وَ كُلُّكُم مَسئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فالإمَامُ الَّذِي عَلٰى النَّاسِ راعٍ وَ هُوَ مسئولٌ عَن رعيّتِهِ و الرَّجُلُ راعٍ عَلٰى أهل بيتـهِ و هـو مسئولٌ عن رعيّتِهِ و المرأة راعيةٌ عَلٰى بَيتِ زوجِهَا وَ وَلِدِهِ وَ هِيَ مسئولَةٌ عَـنهُم و عَبدُ الرَّجُلِ راعٍ عَلٰى مالِ سيِّدِهِ و هوَ مسئولٌ عن رعيتِهِ، ألا كُلُّكُم راعٍ و كلُّكُم مسئولٌ عن رعيتِهِ][1]

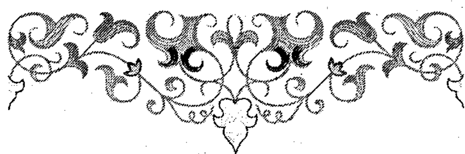
«هرکسی از شما مسئولید و همه‌ی شما نسبت به افراد تحت تکفل

۱. مسلم/۳۴۰۸، به نقل از کتاب تربیت و اصلاح فرزندان، مؤلف: محمدقاسم قاسمی، انتشارات صدیقی، چاپ سوم ۸۵، صفحه ۱۷

خود مسئول هستید، امام مردم نسبت به رعیت خود وظیفه دارد و مسئول است، مرد نسبت به افراد خانواده‌اش وظیفه دارد و مسئول است، زن نسبت به خانه‌ی همسرش و فرزندانش وظیفه دارد و مسئول می‌باشد، خدمتگزار نسبت به مال اربابش وظیفه دارد و مسئول است، پس همه‌ی شما وظیفه دارد و نسبت به افراد تحت تکفّل خود مسئول هستید.»

پس والدین وظیفه دارند و باید نسبت به تربیت فرزندانشان اقدام کنند و ذرّه‌ای از آن دریغ نکنند. چون بدون شک از مسئولیت‌هایی که بر عهده‌ی ما گذاشته شده است، بازخواست خواهیم شد! اگر می‌خواهیم فرزندانمان راه دین در پیش گیرند و سعادتمند دنیا و آخرت شوند و برای جامعه‌ی خویش مفید باشند! اگر می‌خواهیم جامعه‌ی آینده را کسانی بسازند که به خداوند ایمان آورده‌اند و شکرگزار وی هستند، و دستورات اسلام را اجرا می‌کنند و نسبت به وظائفشان متعهد هستند!

باید کودکانمان را با مساجد آشنا کنیم و در این امر یاور و راهنمای ایشان باشیم.



سخنی با ائمه‌ی جماعت

رهبری و گروه

از دیدگاه اسلام وجود یک امام، پیشوا و رهبر، برای هرجمع و گروهی لازم و ضروری است، تا آن گروه بهتر، سریع‌تر و منظم‌تر در پیشبرد اهداف و کارهایش موفق شود. در هر گروهی بخاطر تفاوت در سطح تعقلات، تفکرات و متمایز بودن تمایلات و دیدگاه‌ها، نبود فردی به‌عنوان رهبر و هماهنگ‌کننده‌ی گروه، باعث متارکه و از هم پاشیدن گروه خواهد شد، و بعد از مدت کمی از گروه چیزی جز افرادی پراکنده و جدا از هم باقی نخواهد ماند، و به خاطر این نقش اثرگذار است که اسلام حتی برای گروهی سه نفری می‌خواهد یک نفر به عنوان امیر انتخاب شود.

آری! وظیفه‌ی امام و پیشوای گروه، هماهنگ‌کردن افراد و نگهدارنده‌ی ایشان به دور هم می‌باشد. امام و امیر گروه، باید نظرات تمام افراد گروه را بشنود و همه را جمع‌بندی و به راه صحیح راهنمایی کند و شرایطی را فراهم گرداند که تمام افراد گروه در آینده‌ی خویش دخیل باشند و زمینه را برای موفقیت گروه

فراهم کند و از جدایی و تفرقه محافظت نماید. لازمه‌ی این امر آن است که امام با همه‌ی افراد گروه دوست و برادر باشد و بر دوستی و محبت خویش روز به روز بیفزاید و سعی کند اعتماد آنان را جلب کند و به آنان اعتماد کند، تا اطمینانی دو طرفه حاصل گردد. همچنین زمینه‌ی محبت، دوستی و برادری را بین سایر افراد گروه ایجاد کند تا گروهش مستحکم‌تر شود و دلسوزانه‌تر خدمت کنند. کسی که این وظیفه‌ی سنگین ـ امیری و امامت ـ را قبول می‌کند باید حتماً به وظایف خویش آشنا باشد و متعهدانه به وظایفش گردن بنهد و مسئولانه مسئولیت‌هایش را در حد توان به جای آورد.

امامت و رهبری در مساجد

بدون شک یکی از گروه‌هایی که نیازمند امیر و امام است، افراد مسجد می‌باشد، برای این که بتوانند در یک خط مستقیم و همگام با هم، به سوی مقصد و مقصودشان بشتابند. این رهبری بر عهده‌ی ائمه‌ی جماعت مساجد می‌باشد که علاوه بر این که رهبریت گروه را در دنیا به عهده دارند، در راه رسیدن به خداوند نیز آنها را راهبر و امام می‌باشند؛ واقعاً مسئولیتی بس سنگین و دشوار است و نیازمند ایمان، تقوا و پشتکاری بزرگ است، تا بتوانند از پس این امر دشوار برآیند.

ائمه‌ی مساجد، ادامه دهنده‌ی راه انبیا هستند

وظیفه‌ی انبیا دعوت مردم به سوی حق و راستی و تعیین راه برای رسیدن به مقصود است، ایشان قیامت را در نظر مردم زنده می‌کردند و راه و روش درست زندگی کردن و تعامل با اجتماع را آموزش می‌دادند؛ با مردم زندگی می‌کردند و آنان را نیز از اختلاف و تفرقه برحذر می‌داشتند؛ هم استقلال شخصیتی و فکری را آموزش می‌دادند و هم آنان را به جمع‌شدن در کنار هم توصیه می‌کردند و خود نیز رهبریت گروه را برعهده داشتند.

تمامی این وظایف برعهده‌ی ائمه‌ی مساجد نیز می‌باشد. ایشان راهنما و راهبر مردم در امور دین هستند، به تعبیر دیگر ایشان متخصصان علوم دینی می‌باشند که باید مردم را در این زمینه‌ها راهنمایی کنند و آگاه سازند، اصول و فروع دین را بازگو نمایند، احکام شریعت را برای مردم بیان کنند و راه را از چاه مشخص سازند.

ویژگی‌های لازم برای ائمه‌ی جماعت

برای انجام وظایف سنگین و دشوار امامت در مساجد، ویژگی‌هایی لازم است که امامان مساجد باید آن را در خود ایجاد کنند تا بتوانند راه انبیا را ادامه دهند و مردم را بیش از پیش به سوی خیر و نیکی دعوت نمایند.

۱) **علم**: ائمه‌ی جماعت باید خود را به زیور علم آراسته سازند و تا حد توان از آموختن باز نایستند، زیرا باید مردم را بوسیله‌ی علم خویش آگاه کنند؛ امامان مساجد باید روز به روز بر علم خویش بیفزایند تا بتوانند سؤالات افراد خویش را پاسخگو باشند و ایشان را راهنمایی کنند و در زمینه‌ی توحید و اعتقاد، عمل و عبادت، اخلاق و منش و رفتار و گفتار، آنان را آگاه سازند.

ایشان باید به مسائل روز نیز آگاهی داشته باشند، آنها را با دین تطبیق دهند و فقه و روش صحیح آن را برای مردم روشن سازند، و شبه‌های ایجاد شده را بر طرف سازند و هیچ مسئله‌ای را بدون پاسخ نگذارند، تا در همه‌ی مسائل زندگی مردم، خداوند را حاکم سازند.

بر ائمه‌ی مساجد لازم است که در روزهای مشخصی از هفته کلاس‌های مختلفی را برای مردان، زنان و کودکان دایر نمایند و آنها را در زمینه‌ی عقیده، عمل، شخصیت و سیره و اخلاق پیامبر، فقه و دستور آموزش دهند تا مؤمنانی آگاه را در جامعه بار آورند.

ائمه‌ی مساجد باید سخنرانی‌ها و خطبه‌هایشان متأسی از قرآن و سنت و سیره‌ی رسول بزرگوار اسلام ﷺ و مرتبط با زندگی روزمره مردم باشد. ایشان باید متون گذشته را با شیوه‌ای جدید و امروزی ارائه دهند، تا مردم بتوانند دین را کاربردی و مطابق شریعت بیاموزند. خطبه و سخنرانی نباید بی‌روح و تکراری باشد و

با شیوه‌ی زندگی گذشتگان ارائه شود؛ بلکه باید به شیوه‌ای زنده، عملی و مطابق با زندگی امروز گفته شود تا مردم نیز دین را شریعتی برای هر زمان و هر مکان بدانند.

۲) عبادت و عمل: ائمه‌ی مساجد باید در این زمینه کوشا باشند؛ زیرا بدون عبادت ایمان پذیرفته نمی‌شود و بدون عمل نیز سخن تأثیر نمی‌گذارد. ایشان باید به عنوان رهبر گروه - افراد مسجد - برای آنها یک الگو باشند تا بتوانند در آنها تأثیر بگذارند؛ در فرایض پیشگام و در سنت‌ها مقدم باشند، زیرا عمل، بهترین آموزش و تأثیر را به دنبال خواهدداشت.

۳) اخلاق نیکو: یکی از ویژگی‌های پیامبر اسلام ﷺ که دوست و دشمن به آن اعتراف می‌کنند ویکی از ابزارهای مهم در تبلیغ ایشان نیز به کار می‌رود، اخلاق نیکو و صفات پسندیده‌ی ایشان است.

خداوند متعال هم وقتی که سخن به وصف پیامبر خویش می‌گشاید از اخلاق بلند او صحبت می‌کند:

[وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ]

«براستی (ای محمدﷺ) تو دارای اخلاق نکو و صفاتی پسندیده و عظیم هستی.»

حتی خداوند متعال عامل اصلی جمع شدن صحابه به دور پیامبر ﷺ را اخلاق خوب او معرفی می‌کند.

[فَبِمَا رَحمَةٍ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُم وَ لَوْ كُنْتَ فَظّاً غَلِيْظَ الْقَلْبِ لانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ] آل‌عمران/۱۵۹

«از رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی، و اگر درشتخوی و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

آری ائمه‌ی مساجد هم برای این که در دل مردم جای گیرند، باید اخلاقی نیکو داشته باشند، خوش‌رفتار و خوش برخورد و خوش سخن باشند، در سلام پیشی بگیرند، بدون تکبر و غرور باشند، از پیشامدها و اتفاقات لغو و بیهوده روی برتابند، کودکان را بپذیرند و عزیز بشمارند و بر سر آنها دست مهربانی بکشند، جوانان را دریابند، همیشه آمادگی پذیرش مردم را داشته باشند و به سخنان ایشان گوش فرا دهند، تا بتوانند وظیفه‌ی سنگین و دشوار امامت و رهبری مردم را به جای آورند؛ چه بسا امامانی بوده‌اند که با وجود علم و عمل، اما فاقد اخلاق نیک، مردم از دورشان پراکنده شده‌اند و سخنان ایشان را نپذیرفته‌اند، به این سخن حکیمانه‌ی پیامبر خدا ﷺ گوش فرا دهیم و به آن عمل کنیم:

[إنَّكُم لَنْ تَسَعُوا الناسَ بأموالِكُم، فَسَعُوهُم بِبَسطِ الوَجهِ وَ حُسنِ الخُلقِ][1]

«شما نمی‌توانید دل مردم را با اموالتان بدست آورید، این کار را با

---

۱. جلوه‌هایی از اخلاق پیامبر ﷺ، مؤلف: احمدمحمدالحوفی، مترجم: جمیل زندکریمی، انتشارات پرتوبیان، چاپ اول ۸۴؛ ص ۲۴

چهره‌ی گشاده و حُسن خلق انجام دهید.»

براستی هر گروهی که رهبر و امامش دارای حُسن خلق باشد، افراد آن گروه نیز با الگوبرداری از رهبرشان به گروهی نمونه تبدیل خواهند شد.

۴) **امر به معروف و نهی از منکر:** این یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و ضروری است که باید در امام جماعت مساجد وجود داشته باشد. ایشان باید با امر به معروف، مردم را به جاده‌ی اصلی سعادت بازگردانند و آنها را به مسجد که جایگاه تربیت انسان‌هاست دعوت نمایند و خود نیز بر تربیت ایشان بکوشند و از هر چه عمل حرام است، مردم را نهی کنند و این صفت را به شکل بارز در خود ایجاد نمایند. امر به معروف و نهی از منکر سبب زنده شدن دین در جامعه و انتقال ایمان از دل و زبان به عمل و عبادت خواهد شد.

یکی از پیش زمینه‌های لازم برای امر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر، شناخت افراد است. پس لازم است که ائمه‌ی مساجد مأمومین خویش را بشناسند و با آنها رابطه داشته باشند و آنها را بپذیرند و اطمینان و اعتمادشان را جلب کنند تا سخنانشان تأثیر گذارد و عملشان اسوه و الگو قرار گیرد.

[ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ]
نحل/۱۲۵

«مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه‌ی هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن.»

۵) سعی در حل مشکلات مردم: پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید:

[المؤمن للمُؤمِنِ كَالْبُنيانِ يَشُدُّ بَعْضَهُ بَعْضَاً ثُمَّ شَبَّكَ بَينَ أصابِعَهُ][1] مسلم و بخاری

«مسلمان برای مسلمان مانند ساختمانی است که بعضی از آن بعضی دیگر را محکم می‌نماید، سپس (پیامبرﷺ) انگشتانش را در هم گره کرد.»

مؤمنان باید در حل گرفتاری‌ها و مشکلات همدیگر، همت گمارند و یکدیگر را یاری رسانند، و لازمه‌ی این امر، محبت و شناخت و اطمینان بین مؤمنان است، براستی چه کسی بر این کار تواناتر و آگاه‌تر و بهتر از ائمه مساجد می‌باشد؟

آری! ائمه‌ی مساجد باید با رابطه‌ای که با افراد مسجد دارند، آنها را دریابند و به ایشان نزدیک شوند و اعتماد آنان را جلب کنند و به مشکلاتشان آگاه شوند و در حد توان برای رفع آنها بکوشند و در این راه پیامبر رحمت ﷺ را الگوی خویش قرار دهند، مگر غیر از این بود که هر کس، هر نوع مشکلی داشت، به مسجد پیامبر ﷺ می‌رفت و ایشان نیز در حل آن می‌کوشیدند.

---

۱. مختصر صحیح بخاری، ج۱ ص ۱۸۷

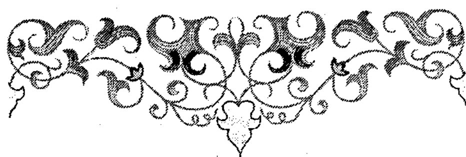
جوانان را دریابید

در هر ملتی وجود جوانان، نشانگر وجود ملتی سرزنده و پویا می‌باشد. اما متأسفانه در کشورهای جهان سوم به خاطر عوامل مختلف جوانان دچار عدم شناخت هویت و بی‌اصالتی می‌شوند و به همین دلیل به انسانی مقلد و مصرف کننده تبدیل خواهند شد.

امامان جماعت باید جوانان را راهنما باشند و شور و احساس آنان را هدایت کنند و هر چه تجربه خویش است در اختیار آنها قرار دهند، آنان را تربیت نمایند، علم آموز و شیفته‌ی علم بار آورند، سؤال‌های آنها را پاسخگو باشند و به شبهه‌های آنان جواب دهند و از هر جهت آنها را پشتوانه باشند. از لحاظ روحی و روانی آنها را تقویت نمایند و احساساتشان را درک کنند و آنها را جوانانی با عقیده‌ای کامل، پیشگام در عمل و عبادت و اسوه در اخلاق و رفتار بار بیاورند.

زیرا جوانان هستند که مسؤولیت سنگین بیداری اسلامی و ترویج دعوت و دین و ساختن جامعه‌ی فردا و تربیت آیندگان را برعهده دارند.

از خداوند متعال خواستارم که توفیق دهد تا بتوانیم که این ویژگی‌ها را در خود ایجاد کنیم. و بوسیله‌ی آن بیش از پیش به دین و جامعه‌ی خود خدمت کنیم.



فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. تفسیر فی ظلال القرآن، مؤلف سید قطب، مترجم: مصطفی خرم دل، نشر احسان، چاپ دوم۸۷

۳. تفسیر انوار القرآن، ترتیب و ترجمه عبدالرئوف مخلص،انتشارات احمد جام، چاپ سوم ۸۵

۴. صفوة التفاسیر، مؤلف محمد علی صابونی، مترجم: محمدطاهر حسینی، نشر احسان، چاپ اول۸۲

۵. تفسیر نور، مؤلف مصطفی خرم دل، نشراحسان، چاپ چهارم۸۴

۶. اللؤلؤ والمرجان، مؤلف محمد فؤاد عبد الباقی، مترجم ابوبکر حسن زاده، نشر احسان، چاپ سوم۸۴

۷. مختصر صحیح بخاری، اختصار کننده: عبدالطیف الشرجی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات حرمین چاپ دوم ۸۶

۸. معارف الحدیث، مؤلف، محمد منظور نعمانی، مترجم: عبدالمجید مرادزهی خاشی، انتشارات فاروق اعظم چاپ چهارم ۸۷

۹. ریاض الصالحین، مؤلف امام نووی، مترجم: احمد حواری نسب، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۵

۱۰. احادیث قدسی، مؤلف: درویش جویدی، مترجم: جهانگیر

ولدبیگی، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۶
۱۱. ۱۵۰۰ حدیث از احادیث نبوی و حکمت های محمدی، مؤلف، احمد الهاشمی، مترجم صابر حسینی، انتشارات کردستان، چاپ سوم ۸۵
۱۲. خورشید نبوت، مؤلف، صفی الرحمن مبارکفوری، مترجم: محمد علی لسانی فشارکی، نشراحسان، چاپ دوم ۸۵
۱۳. الگوی هدایت، مؤلف علی محمد صلابی، انتشارات حرمین، چاپ اول ۸۷
۱۴. محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت، مؤلف کنستان ویرژیل گئورگیو، مترجم ذبیح الله منصوری، انتشارات زرین چاپ سیزدهم ۸۳
۱۵. جلوه هایی از اخلاق پیامبر، مؤلف احمد محمدالحوفی، مترجم: جمیل زندکریمی، انتشارات پرتو بیان، چاپ اول ۸۴
۱۶. فقه المنهجی، مؤلفان:مصطفی الخن، مصطفی البغا، علی الشربجی، مترجمان: محمد عزیز حسامی، فرزاد پارسا، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۴
۱۷. فقه السنه، مؤلف: سید سابق، مترجم: محمود ابراهیمی، انتشارات مردم سالاری، چاپ دوم ۸۶
۱۸. باقیات صالحات در فقه امام شافعی، مؤلف: محمد ربیعی، انتشارات پرتو بیان، چاپ دوم ۸۴
۱۹. فقه آسان، مؤلف: احمد عیسی عاشور، مترجم: محمود ابراهیمی، نشراحسان، چاپ ششم ۸۶
۲۰. دیدگاه فقهی معاصر، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم:

احمدنعمتی، نشراحسان، چاپ سوم ۸۴
۲۱. عبادت در اسلام، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم: محمد ستاری خرقانی، نشر احسان، چاپ دوم ۷۹
۲۲. ویژگی های مؤمن در قرآن کریم، مؤلف: عبدالمقصود، عبدالرحیم، مترجم: احمد قتالی کبرزانی، انتشارات احمد جام چاپ اول ۸۰
۲۳. جهاد دعوت مؤلف: محمد غزالی، مترجم:عمر قادری، انتشارات پرتوبیان، چاپ اول ۸۵
۲۴. آئین تربیتی تابعین، مؤلف: عبدالحمید بلالی، مترجم: عبدالله عبداللهی، نشراحسان، چاپ اول ۸۳
۲۵. ترور، اسلام، سکولاریسم، مؤلف: علی باپیر، مترجم: کمال روحانی، نشرآراس، چاپ اول ۸۷
۲۶. نمازی با حضور، مؤلف:سید عبدالباقی العاصمی، چاپ اول ۸۰
۲۷. جایگاه نماز در اسلام، مؤلف: سعید بن وهف قحطانی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات حرمین، چاپ اول ۸۲
۲۸. جامعه‌گرایی اسلامی پیامبر اسلام، مؤلف: محمد الشلبی، مترجم: محمد سعید مجیدی، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۲
۲۹. دورنمای جامعه اسلامی، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم: عبدالعزیزسلیمی، نشراحسان، چاپ دوم ۸۵
۳۰. اسلام و بزرگداشت زن، مؤلف: محمد بن جمیل زینو، مترجم: محمدگل گمشادزهی، انتشارات حرمین، چاپ اول ۸۲
۳۱. اسوه‌های راستین برای زن مسلمان، مؤلف: احمد الجدع، مترجم: عبدالصمد مرتضوی، نشراحسان، چاپ اول ۸۳

۳۲. بانوان در عرصه‌ی دعوت و تبلیغ، مؤلف: توفیق یوسف الواعی، مترجم: نرگس پروازی ایزدی، نشراحسان، چاپ اول ۸۱
۳۳. زنان با ایمان، مؤلف: یوسف قرضاوی، مترجم: ابراهیم عمری، نشراحسان، چاپ اول ۸۰
۳۴. زنان نامدار اسلام، مؤلف: علی صالح کریم، مترجم: حمید مستعان، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۰
۳۵. زن در میان شفافیت شریعت الهی و تیرگی فرهنگ غرب، مؤلف: رمضان بوطی، مترجم: فرید قادری، انتشارات کردستان، چاپ اول ۸۲
۳۶. زن مسلمان، مؤلف: آمنه سید هاشمی، مترجم: محمد علی خالدی نشر احسان، چاپ اول ۸۳
۳۷. مسایل زنان بین سنتهای کهن و جدید، مؤلف: محمد غزالی، مترجم: مجید احمدی، نشراحسان، چاپ دوم ۸۱
۳۸. په‌روه‌رده‌ی مندال و هه‌رزه کاران له روانگه‌ی ئیسلامدا، مؤلف: محمد شریف الصواف، مترجم: نه‌وا محمد سعید، نشر التفسیر، سلیمانیه ۲۰۰۴
۳۹. تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر، مؤلف: محمد نور سوید، ترجمه: محمد صالح سعیدی، نشراحسان، چاپ دوم ۸۶
۴۰. تربیت فرزندان در پرتو شریعت، مؤلف: سبحان محمود، مترجم: أفضل ده‌مردنژاد، انتشارات احمد جام، چاپ اول ۸۳
۴۱. تربیت و اصلاح فرزندان، مؤلف: محمد قاسمی، انتشارات صدیقی، چاپ سوم ۸۵
۴۲. تربیت و بازسازی کودکان، مؤلف: محمد قاسمی،

انتشارات‌صدیقی، چاپ سوم ۸۳
۴۳. راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران، مؤلف: محمد بن جمیل زینو، مترجم: عبدالله عبداللهی، نشراحسان، چاپ اول ۸۶
۴۴. روان‌شناسی پرورش و تربیت کودک، مؤلف: محسن احمدی، انتشارات حسین فهمیده، چاپ اول ۸۵
۴۵. گامی در مسیر تربیت اسلامی، کودکی تا بلوغ، مؤلف: رجبعلی مظلومی، نشرآفاق، چاپ اول ۸۵
۴۶. والدین مؤثر، فرزندان موفق، مؤلف: محمدرضا آل یاسین، انتشارات هامون، چاپ اول ۸۳
۴۷. آداب مساجد، مؤلف: ابوبکر جزائری، مترجم: نورمحمد نورمحمدی، انتشارات احمد جام، چاپ اول ۸۱
۴۸. مسجدسازی از دیدگاه اسلام، مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی، مترجم: فاروق نعمتی، نشر احسان، چاپ اول ۸۱

دشمنان می‌خواهند که دین و شریعت را برنامه‌ای فردی و صرفاً عبادی معرفی نمایند تا فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع جوامع مسلمان را نیز همانند جوامع خود به فساد بکشانند و به این وسیله آنان را به بردگی و وابستگی مبتلا سازند.

لازم است مسلمان به خود آیند، به پا خیزند و در کنار هم قرار گیرند تا عزت را دوباره بازیابند و دین را بر جامعه حاکم سازند.

مسجد جایگاهی است که نقش بسیار زیادی در تربیت فرد و بازسازی اجتماع و حاکم کردن دین بر جامعه دارد. پس باید مؤمنان به مساجد روی آورند و آن را به پایگاهی برای تربیت افراد و جایگاهی برای ساختن جامعه تبدیل کنند.

مسجد دو مناره سقز با قدمت بیش از ۳۵۰ سال



مرکز پخش:
سنندج . پاساژ عزتی . پخش کتاب امام غزالی
۰۸۷۱ ۲۲۵۶۱۰۰



9 786005 856156